

هموخت

حکمت‌نیک

بهمن ۱۳۴۴



حناب آقای دکتر عسی صدیق ساتور محترم هنرگام سخنرانی

فهرست مندرجات

نویسنده	موضوع	صفحه
اردشیر جهانیان	سرمقاله	۳
	ایران کشور پیشو و	۶
احمدپژوه	دین و فلسفه	۹
حبیب‌الله فرازمند	زرتشت نامه منظوم	۱۴
هاشم رضی	شاخه زرین	۱۷
	سالگرد کتابخانه اردشیر یگانگی	۲۲
دکتر جهانگیر اشیدری	گوشاهی از تاریخ کرمان	۳۱
خداداد خدابخشی	ششم فروردین	۳۶
محمد کریم رحیمی	ششم بهمن	۳۸
سرهنگ موبد	پاکمردان یا پیامبران	۳۹
	اخبار ماه	۴۰
عبدالعظیم فروغان	اندرز جاویدان	۵۹

از : دکتر سروش صرفه‌نیا

و اینست افتخار

این جهان پیر از بدو پیدایش انسان تاعصر کنونی پیوسته شاهد بوجود آمدن افراد دسته‌ها و ملت‌ها و همچنین از بین رفتن آنها بوده و میباشد و انسانها نیز همواره ناظر وجود عدم همنوعان خویش بوده‌اند ولی همیشه با وجود نگریستن بدان سعی نموده‌اند که برای ادامه زندگی این مناظر رعب‌انگیز را در ورطه فراموشی گذاشته حیات نوینی را روی خاطرات گذشته بنیان‌گذاری نمایند و در اصطلاح برای تأمین سعادت آینده خویش‌غمه‌ای درونی خود را به صداق شعر زیر :

امروز اگر غم بزرگ است چه غم	چون شادی و غم نپاید اندر عالم
هر چیز زید زیاده گردد شب و روز	جز غم که چو زیست زان شود کم کم
	بر طرف نماید .

در این دنیا بیکران هر کشوری کم و بیش در معرض حوادث روزگار غدار قرار گرفته چنانکه گروهی هستی وجودشان از چهره که خاکی زدوده گردیده و بعضی دوباره قامت خمیده خویشرا از زیر بارگران رهانیده قدر است وزندگی خویشرا ادامه داده‌اند صفحات تاریخ بخوبی نشان‌دهنده وجود عدم ملت‌ها در طول زمان بوده و میباشد که با توجه بدان میتوان ثبات و استقامت ملت‌ها را بخوبی درک کرد.

آنچه ب Fletcher میرسد تاریخ ایران پر است از این حوادث دلخراش که گاه‌گاه هستی وجود این ملت را بطریق پر تگاه نیستی کشانیده است چنانکه از وقتیکه قوم آریائی نزد از رو بطرف این سرزمین نهادند و به آبادانی آن پرداختند و تعالیم شت زرتشت اولین پیغمبر جهان را گردند نهادند تو انشتند در پرتو آن تعالیم عالی شاهنشاهی بزرگی را بنیان‌گذاری نمایند که هنوز هم دنیا در بر این آنه فکر و نبوغ و تمدن و ترقی سر تعظیم فرودمی‌آورد و در این باره دانشمندان کنونی ایرانی و خارجی متحده القول بوده و هستند چنانکه در آثار هر یک از نویسنده‌گانیکه بتمدن ایران باستان علاوه‌ای داشته و دارند این حقیقت بخوبی بجهش میخورد چنانکه دانشمند مشهور ایرانی آقای پروفسور شوستری (هرین) در مصحابه‌ای با مخبر تهران مصور در ضمن آنکه زرتشتی بودن هخامنشیان را تصریح نموده

راجع بزرگتر و معمولی این طور با ظهور عقیده پرداخته اند :

« بنظر من زرتشت یگانه کسی است که ما ایرانیها از صمیم قلب باید با او افتخار کنیم . این مرد واقعاً از لحاظ دانش و بینش در همه دنیا نظریش دیده نشده است - پایه های فلسفه زرتشت آنچنان محکم و عمیق و منطقی است که بتحقیق هیچ فلسفه دیگری از این لحاظ با آن قابل مقایسه نیست . عرفان حقیقی ایرانیمین را باید در گواتهای زرتشت جستجو کرد و با اطمینان میتوان گفت اگر کسی بتواند گواتها را بخواهد و بآن عمل کند صد درصد رستگار میشود . اندیشه زرتشت نهونه بر جستهایست از روح ترقی و تکامل و ظرافت علم و فنا سال اندیشه بشر که دیگر از آن کاملتر نشده همگر آنکه شاخ و برگی بآن افزوده شده باشد .» نقل از مجله تهران مصور شماره (۱۱۶۱)

پس از آن زمانهای بس دراز تا کنون که طبق شواهد و دلایل زیاد کشور ایران صحنه تاخت و تاز مهاجمین بوده است قوم آریائی نزد توanstه اند خون و نزد خویش را بنحو معلوی حفظ نمایند زیرا بطوریکه از شاهنامه فردوسی و سایر تواریخ مدون برمیاید قوم ایرانی همیشه با اقوامی بنام تورانیان یا مردمان چین یا امپراطوریهای بزرگی مثل رم و یونان در جنگ و سبیز بوده است و گاه و بیگانه پیغمبر نماهایی چون مزدک و مانی بر آنها ظهور کرده اند اما ایرانی با شهامتی فوق العاده قادر بحفظ آئین و نزد خود گردیده است ولی لطمه بزرگی که بحیات و هستی مردمان این کشور وارد شد از زمان حمله تازیان در اوآخر سلسله ساسایان آغاز میگردد که با قدرت و قوتی هرچه بیشتر به از بین بودن خون و نزد این ملت همت گمارده بودند و در این موقع بود که اکثریت ملت ایران لکدمال جور و ظلم و ستم بیکانکان گشته باقلیت تبدیل شدند ولی باز با شجاعتی فوق العاده بحفظ خون و نزد خویش پرداخته با جسارت و حرارتی خارق العاده این مسئله را دنبال نموده اند که خون پاک ایرانی باود نسلام بعد نسل از هر گونه آلایشی مبری بوده و پاک و منزه باقی بماند و اگر از این مسئله محنت بار بگذریم و حملات چنگیز خان مغول و تیمور لنگ را در مدنظر قرار دهیم که چگونه شهروها و آبادیهای ایران را مورد قتل و غارت وی را آنها را بکام آتش کشیده اند و حتی نزد سکهها و گر به هارا بر میانداخته اند با رفتار وحشیانه دیگر فاتحین با حرکات انتقام بجوانه بعضی از سلاطین عاند آغا محمد خان قاجار که در یک شب هفتاد هزار جفت چشم از مردمان کرمان را بحرم پناه دادن لطفعلی خان زند برگرفت مورد توجه قرار دهیم بخوبی بعظمت روح و علو همت مردمانی واقع میشویم که با وجود واقع بودن در اقلیت بخوبی از عهده انجام بزرگترین مقاصد عالی نیاکان خویش برآمده و

خون وسرشت خود را از هر گز ندی محفوظ داشته‌اند تا با مرور زمان آنرا در قالب جامعه‌زرتشنیان ایران باقی و برقرار گردانیده‌اند واینست افتخار بزرگی که جامعه‌کنونی زرتشنی ایران و جهان از آن برخوردارند و آنها را بر دیگران امتیاز بخشیده است و بحق نیز باید این جامعه از کسوت نام اقلیت زرتشنی بدرآمده بنام ایرانی‌الاصل موسوم گردد تا اعمال و رفتار ایرانیان اصیلی که در طول قرن‌های متعددی نه بشکل یک معجزه بلکه بصورت بزرگترین فدایکاریها و ابراز بالاترین شهامتها و والاترین تدایر و سیاستها بدینوسیله به منصه ظهور رسیده است پاداشی کافی واجری واقعی یا بدوابسته اولین وظیفه جامعه‌کنونی زرتشنی حفظ این افتخار موروثی و نگهداری این خون پاک ایرانیت و نژادی آلایش آریائیست که باید تاجهان به - گردش خود ادامه میدهد و لیل و نهار در پی یکدیگر طاووع و غروب میکنند این نژاد پاک آریائی و خون اصیل ایرانی که باعث افتخار هر ایرانیست جاودانه باقی بماند و این افتخار از نسلی بنسل دیگر بارت رسیده همواره خاندان زرتشنیان ایران و جهان بدین افتخار مباری باشند پس فرزندان و نوپهالان کنونی زرتشنیان ایران که از مکتب پدران خویش درس از خود گذشتگی و مردانگی را آموخته‌اند باید نتایج زحمات و تحمل مشقات نیاکان خود را در قرون متعددی بیکی غمزه ساقی فروخته همه جانشانیهای نیاکان نامدار را در راه کسب این افتخار بهیچ گرفته‌بی محا با قدم در مرحله‌ای گذارند که بهیچ‌وجه باشئونات ملی موافق نبوده با افتخارات گذشته تجانسی نداشته باشد آنها باید بدانند که در جامعه‌ای که در من آزادگی و بزرگواری آموخته‌اند تا به‌ا بد نسبت بدان جامعه مدیون اند و باید در اسرع اوقات نسبت به تأديه این دین اجتماعی مبادرت ورزند چه مسلم است که برای رویانیدن و بارورنمودن یک درخت باید مصائب و مخارجی را تحمل نمود و همین‌طور است راجع به - بارورشدن انسانها درخا نواده‌ها که گاهی نیروی رشد و نمو کردن افکار فردی از افراد خانواده بقیه اعضا فامیل در سایه خوش‌اقبالیش !! رمق حیات خود را زدستداده گاهی فقط ناظر بوز وبالا و فرو شکوهش میگرددند وزمانی لگدمال حسن‌غورش میشوند و بدین منوال است در اجتماعات که چه بسا استعدادهای نهفته‌ای برای بارورشدن نواعث فدامیگرددند پس جامعه زرتشنی نیز از این اصل کلی مجزی نبوده و به پیروی از این اصول کلیست که وظیفه هر فردی که بیشتر و بهتر بتواند از موهاب ملی مستفید‌پزشکی گردد در قبال اجتماع سنگینتر و بیشتر میشود پس باید آنها که بیشتر از محفظه‌های زندگی‌لذت میبینند بهتر به‌وای نفسانی خویش لجام زده طبع سرکش را اقناع نمایند تا بهتر بتوانند بحفظ این خون و سرشت کمک نمایند مسلم است که دنیا با سرعتی خارق العاده بجلو میرود و با سرعت بیشتری بهم ارتباط می‌باشد

درود فر آران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر

دانش پژوه و معرف افزایی بخش

آقای شجاع الدین شها دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی اعلام کرد، برای مبارزه با بیسوادی:

ایران کشور پیشو و انتخاب شد

متن قطعنامه سازمان ملل متحد که در پیرو پیام شاهنشاه آریامهر بمجمع عمومی این سازمان در تأیید قطعنامه کنگره جهانی پیکار با بیسوادی در تهران صادر شده و همچنین اطاعتی درباره اعلام کشور ایران از جانب سازمان یونسکو و سندوق اعتبار مخصوص سازمان ملل متحد، بصورت «کشور پیشو و درامر مبارزه با بیسوادی»، و گزارش مدیر کل یونسکو درباره کنگره تاریخی تهران بمجمع عمومی ملل متحد، توسط آقای شجاع الدین شفاذبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی انتشار یافت.

قطعنامه سازمان ملل

ترجمه قسمتی از قطعنامه مفصل سازمان ملل متحد بدین قرار است:

در تقویب قطعنامه های شماره ۱۶۷۷ اجلاسیه شانزدهم و شماره ۱۹۳۷ اجلاسیه هیجدهم سازمان و قطعنامه های سال ۱۹۶۴ کمیسیون های اقتصادی منطقه ای و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و سیزدهمین مجمع عمومی یونسکو و با توجه به گزارش های دبیر کل سازمان ملل متحد و مدیر کل یونسکو در مورد اقدامات مربوط به مبارزه با بیسوادی با تجلیل خاص از پیام بشری دوستانه و بزرگوارانه ای که اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران درین مورد به بیستین اجلاسیه سازمان ملل متحد ارسال فرمودند.

بر اساس نظریات بیست و هشتین کنفرانس بین المللی آموزشی ماه ژوئیه ۱۹۶۵ در ژنو و بر اساس نظریات و توصیه های کنگره جهانی وزیران آموزش در تهران که از تاریخ ۸ تا ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۵ بمنظور مبارزه با بیسوادی از طرف یونسکو تشکیل گردید مخصوصاً با انکاء بقطعنامه های این کنگره درباره ازوم بسیج منابع انسانی و مادی برای تأمین این

منظور مراتب ذیل را اعلام میدارد :

- ۱ - موضوع بیسواندی مسئله‌ای جهانی است که با تمام عالم بشریت ارتباط دارد.
- ۲ - امر آموزش در درجه اول یک عامل اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است.
- ۳ - اکنون موقعی فرارسیده است که کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در کمترین مدت ممکن کوشش جدی و پی‌گیری برای از میان بردن بیسواندی در سرتاسر جهان مبذول دارند.

بدین منظور اولاً از کشورهای که در آنها بیسواندی مسئله‌ای اساسی بشمار می‌رود دعوت می‌کند که در برنامه‌های ملی توسعه خود برای موضوع آموزش بیسواندان حق تقدیم کامل قائل شوند و برای این اساس کلیه منابع ممکنه مالی و مادی و انسانی خوبیش را اعم از دولتی یا غیر دولتی بسیج نمایند.

ثانیاً، از کشورهایی که در امر تعمیم آموزش بهترین نتایج را در داخله خود گرفته‌اند دعوت می‌کند که در برنامه‌های همکاری دوچاریه خوبیش با کشورهای دیگر سهم شایسته‌ای برای حق تقدمی که این کشورها در برنامه‌های توسعه خود در امر تعمیم آموزش قائل شده‌اند منظور دارند.

ثالثاً از کلیه دولتها دعوت می‌کند که همه امکانات خود را برای افزایش منابعی که می‌باید در راه آموزش بیسواندی بکارروند، چه در زمینه ملی و چه در زمینه بین‌المللی از جهات مختلف مورد توجه و بررسی قرار دهند.

رابعاً از سازمانهای تخصصی با نک بین‌المللی ترمیم و توسعه، صندوق اعتبار مخصوص، دفتر کمکهای فنی، و کلیه سازمانهای صلاحیتدار بین‌المللی یا منطقه‌ای دولتی یا غیردولتی دعوت می‌کند که بمنظور اجرای برنامه‌های مبارزه با بیسواندی بنحوی که کاملاً با برنامه‌های توسعه هر تبیط باشد مساعی خوبیش را در این زمینه با کوشش‌های یونسکو تلفیق دهند.

خامساً از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و کمیسیون‌های اقتصادی منطقه‌ای دعوت می‌کند که در کادر برنامه ده ساله سازمان ملل متحد برای توسعه مسائلی را که بیش از همه در پیوستگی امر آموزش با توسعه اقتصادی تأثیر دارند مورد مطالعه و رسیدگی قرار دهند.

دبیر کل سازمان ملل متحد مأمور می‌شود که با همکاری مدیر کل یونسکو گزارش پیشرفت‌های را که در اجرای مفاد این قطعنامه حاصل می‌شود به مجمع عمومی گزارش دهند.

کشور پیشرو

آقای شفای درباره اعلام کشور ایران بعنوان کشور پیشرو در امر مبارزه با بیسوا迪 اعلام داشت:

در دوازدهمین جمیع عمومی یونسکو تصمیم گرفته شد که برای اجرای یک برنامه جهانی مبارزه با بیسوا迪 برنامه‌هایی بطور آموزشی در چند کشور که حائز بهترین شرایط باشند و اقدامات پیشرفته‌تری درین مورد کرده باشند با کمک یونسکو و کمک مالی صندوق اعتبار مخصوص سازمان ملل متحد بمورد اجرا گذاشته شود، تا بعداً تجارب حاصله در در مقیاس جهانی مورد استفاده قرار گیرد. برای استفاده از این برنامه‌های آموزشی ۴ کشور داوطلب شدند و یونسکو پس از مطالعات لازم کشور را از آنها برای اعزام هیئت‌های متخصصین خود بمنظور رسیدگی انتخاب کرد و از این هشت کشور نیز بر اساس گزارش‌های این کارشناسان سه کشور ایران و الجزایر و مالی بعنوان کشورهای پیشرو در امر مبارزه با بیسوا迪 برگزیده شدند. صندوق اعتبار مخصوص سازمان که از اول ژانویه سال جاری نام آن به «برنامه توسعه سازمان ملل متحده» تبدیل یافته مبلغ یک میلیون و دویست هزار دلار برای اجرای برنامه‌های آموزشی خاصی که با کمک یونسکو اجرا می‌شود در اختیار این برنامه‌ها خواهد گذاشت.

آقای شفای اعلام داشت: در قسمتی از اظهارات مدیر کل یونسکو درباره کنگره تاریخی تهران گفته شده:

«بی‌ثلث کنگره تهران که با دعوت بزرگوارانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران تشکیل شد در تاریخ مبارزه با بیسوا迪 مبداء تحول عظیمی است. این کنگره اهمیت حیاتی مسئله پیکار با بیسوا迪 را از نظر جهانی برای همه روشن کرد. بعداز کنگره تهران بیسوا迪 یک مسئله دنیائی شناخته شد که باستی مقیاس دنیائی و با کوشش دست‌جمعی جامعه بشری حل شود از نظر سیاست داخلی کشورها نیز اهمیت کنگره تهران انکار ناپذیر است زیرا کنگره باین نتیجه اساسی رسید که مبارزه با بیسوا迪 را نمیتوان از کوشش برای توسعه اقتصادی مجزا دانست، دیگر نمایستی در این فکر بود که میخارج باسوساد کردن مردم از محل کمک‌های داوطلبانه و درآمدهای غیرقابل پیش بینی تأمین گردد. بلکه باستی بطور قاطع و منظم قسمتی از اعتبارات را که برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود باین امر تخصیص داد.

بقلم : احمد پژوه

دین و فلسفه

(۲۷)

دوره شاهی بنی اسرائیل

سرگذشت دوره شاهی بنی اسرائیل دراز است ، بکوتاهی اینکه ، این قوم بناگزارش تورات ، تنها دوپادشاه نامی و توانا که تا اندازه‌ای خردمند و مدبر نیز بوده بنام داود و سلیمان بر آنها فرمان راندند و در دوره آنها تمدن و فرهنگ رونق گرفته و در امور سیاسی ، ملی و انصباط دیوان داد پیشرفت کردند و در بر فرمان روایان و قدرتهای پیرامون خود استوار بوده ، بلکه در بر ابر همگنان کوس برتری نیز مینواختند . کیش موسا با نفوذ نخستین پا بر جا بود و تکالیف دینی با تشریفات خود انجام میگرفت ، نفوذ کاهنان کاسته نشده بود . ولی پس از داود و سلیمان که هم مقام سلطنت و هم عنوان نبوت داشتند ، بازمادگان باوارثان تخت و تاج ، جنبه روحانی و پیشوائی دینی را از کف داده ، غرور و بلندپروازیهای ناشایست و دژکامی تحمل ناپذیری را آغاز نهادند . هر تیره و شاخه‌ای از قوم ، خود مختاری پیشه نمود و شاهی بر گزید و همچنین آنچه از تورات بر می‌آید . کاهنان در مقام و منصب دینی با تعصّب و سختگیری بمدم روشی نکوهیده داشتند و بدآنچه خلاف منطق و فلسفه دین موسا بود گرویده ، دیوانهوار از اصول بیگانه گردیدند و برای نگهداری پرستیز رهبری و پیشوائی خود بنام پرستش یهوه ، به تجدل پرستی و توانگری در انشاع ذر و سیم و گسترش مالکیت زمین از راه زورگوئی و به جبرستانی از زیرستان خودی و بیگانه یا همسایه ، سرانجام خدا پرستی جایش را به خود پرستی داد که گزارش آن در کتاب « داوران » تورات آمده است .

در کتاب اشیاء نبی میخوانیم که او درباره پادشاهان درخواب دید که « ای آسمان بشنو وای زمین گوش بگیر ، زیرا خداوند سخن میگوید : - پسران پروردم و برافراشم ، اما ایشان بمن عصیان ورزیدند . کاو مالک خویشا ولاع آخور صاحب خود را میشناسند ،

اما اسرائیل مرا نمیشناسد و قوم من فهم ندارند. واى برآمت خطاکار و قومیکه زیربارگناه میباشد. اگر یهود ساپوت، بقیه اندکی برای ماوانمیگذاشت، مثل سوم (شهرلوط) میشدم و مانند عموره میگشتم. ای حاکمان سوم، کلام خداوند مرا بشنوید و ای قوم عموره، شریعت خدای مارا گوش بگیرید. خداوند میگوید:

«از کثرت قربانیهای شما مرآچه سوداست؛ از قربانیهای سوختنی قوچها پیه پرواریها سیر شده‌ام و بخون گاوان و پرها و بزها رغبت ندارم».

از این گفته‌ها حنین بر می‌آید که رهبران یهود یا باصطلاح انبیاء (آگاهان رموز) و فقیهان حقیقی کیش موسوی؛ بفلسفه اقتصادی و اجتماعی دین خود پی‌برده و فهمیده بودند که قربانی گاو و گوسفند در دوره بیان گردی در راه یهود بمنظور خودداری از کشتار دامها برای مصرف گوشت آنها و افزون شدن گله ورمه قوم بوده، در آن دوره آزادی در کشتار دام و خوردن گوشت محدود بود، مگر در راه ادای نذر به پیشگاه یهود، آنهم در روزهای مخصوص، حیوانی با شرایط و نشانیهای ویژه که نادر بود؛ قربانی میشد و از گوشت آن بهره‌مند میشدند.

موسأ در دوره سازندگی قوم بود و آنها را برای بردباری هر گونه رنجی به امید پیروزی و اپسین آماده مینمود آنها را در زش میداد، روزها گرسنه و تشنگ میمانندند - به آنها سختگیریها میکرد تا مردمی سخت کوش، زمخت و خویشتن دار بار آیند و نیروی اقتصادی قوم در گله ورمه داری قوی گردد، زیرا جائی برای ماندن و کشت و برداشت کردن نداشتند. موسأ نمی‌خواست در قربانی دامها بنام یهود تندری شود، زیرا در اینکارهم شرایط سخت بود.

چنانکه خوی هر قوم زبون و خواری که بارسیدن به ناز و نوا در هر کار تند روی و فرون خواهی را شعار خود می‌سازد و استقلال برای قوم ندید بدید گویا اثر هست کننده دارد که آدم بی‌دیشه و ثبات را از راه بدر می‌کند و گمراه می‌سازد، در این هنگام است که احساسات بزرگ حیره می‌شود - «کنند آنچه را کش نماید بکار».

بیجانیست باد آورشوم که - روش مسلمانان نیز در انجام قربانی در خورستن جشن و آن دیشه است . به درستی دانسته نیست که تا پیش از رفورم مراسم حج یفرمان محمد (ص) رفتار حج گذاران دوره جاھلیت چگونه بوده و با تنگدستی و بینوایی بستان جزیره، مراسم قربانی از حیث کمیت چطور بر گذار می‌شده است؟ زیرا در آن زمان استطاعت شرط نبوده است . اما از داستان نذر عبدالمطلب نیای محمد در قربانی پرش عبدالله که بجای او صد شتر قربانی شد تا خشنودی هبل بت بزرگ حاصل گردد و در گفتار پیشین گزارش آن داده

شد؛ بخوبی پیداست که عرب بتپرست تاچه اندازه پای بند عقیده خرافی بخدا یان خود ساخته خویش بوده، ولی آیا در دوره نورانی علم و حکمت قرآنی توحیدهم، همان رفتار عهد جاهلیت رو است؟ بویژه اینکه جمیعت آن روز و محدودیت مشرکین نسبت بجمیعت کنونی مسلمانان که بیش از چهار صد میلیون است قابل مقایسه نیست و سالی صدها هزار دام از گاو، گوسفند و شتر در مراسم حجج قربانی میشود آنهم درجه‌ای که دچار کمی و دمواد خوراکی است و میلیونها از مردم؛ دسترسی به گوشت ندارند و گرسنه بسرمهبرند و این دامهای قربانی که خوراک یکساله شهری بزرگست بدون استفاده از گوشت آنها پس از کشتن نابود میشوند! آیا در عصر ما این کار بیوهوده شایان تجدید نظر نیست؟ و آیا این سرمایه هنگفت که میتوانند انگیزه کار و تامین زندگی هزاران بیکار در شهرهای اسلامی بشود بدون اینکه این سرمایه کاوش یابد، چه هرسال بر آن می‌افزاید، چه فیکوکاری‌ها که مایه خشنودی خالق است؛ بدین وسیله درباره خلق خدا میتوان کرد؟!

باری - از زمینه کمی دورافتادیم - این کتاب (اشعبا) و کتاب «ارمیا» شناسنامه یهود پس از «موس» است. خوی خشن، رفتارزشت، آزمندی به گردآوری زر و گوهر و دست اندازی به کشتزارها و تتخواه همسایگان، خونخواری و تجاوز به ناموس و اموال دیگران، انگیزه پراکندگی واژهم گسیختگی رشته یکانگی و خویشاوندی یهود گردید.

بر افتادن شاهی یهود = قیرانی او را همیلیم

اسارت بنی اسرائیل

بنا به کتاب دوم تواریخ ایام - بنی اسرائیل و مرکز جامعه آنها «اورشلیم» فرمانبردار و دست نشانده دولت مصر گردیده بوده است چه گزینش شاه و ولیعهد آنها بسته به فرمان فرعون وقت بوده. واپسین شاهی که بفرمان فرعون بتحت نشست «یهودیاقیم» بوده که در این کتاب میگوید:

«در نظر یهوه خدای خود؛ شرارت ورزید».

پس از استیلای آشوریان یهود به زیر فرمان شاهان آشوری درآمد. نبوکدنسر پادشاه بابل، یهودیاقیم را از شاهی برانداخت و باز تغیر کشیده شده با چندین ظروف طلای خانه خدا به بابل برده شد و پسرش «یهودیاگین» بفرمان نبوکدنسر شاه یهود شد. شاهی او نیز با تبعه کاریها یش در پیشگاه خدا ناپسند افتاد و اسیر شده با اظروف گرانبهای دیگر به بابل گسیل گردید. کسان دیگری که پشاھی بر گزیده شدند، بر خدا عصیان ورزیدند،

خیانت آنها و شرارت قوم همواره در افزایش بود تا خشم خداوند بر آنها افروخته شد پادشاه کلدان همه کاهنان و مردم را ازپر و جوان و دوشیز گان به شمشیر کشت و آنچه از ظروف و اثاثه خانه بازمانده بود با گنجها و شاهزادگان اورشليم به اسارت رفتند. خانه خدا را نیز با آتش کشید، باروی شهر را ویران کرد، قصبه هارا آتش زد، ۵۴۰۰ پارچه از ظروف طلا و نقره که بازمازده بود، با کاهنان و کسان دیگر که جان بدربرده بودند اسیر و به بابل روانه شدند.

آزادی یهود و بازگشت باورشليم پسر هان

شاهنشاه پارس

هفتاد سال دوره اسارت یهود بازی بر دستی و بیکارگی و بردگی سپری گردید که خسرو (به لهجه یهود کورش) کبیر شاهنشاه کیانی پارس، با بل را گشود و یهود را از زبانی و خواری اسارت بدرآورد. در کتاب «عزرا» سرگذشت آنان چنین است:

«در سال اول، کورش پادشاه فارس - (تا کلام خداوند بزبان ارمیا کامل شود) خداوند، روح کورش پادشاه فارس را بر انگیخت تادر تمامی ممالک خود، فرمانی نافذ کرد و آنرا نیز هر قوم داشت و گفت: کورش پادشاه فارس چنین میفرماید:

«یهوه خدای آسمانها، جمیع ممالک زمین را بمن داده و مر امر فرموده است که خانه‌ای در اورشليم که «یهودا» است بنانمایم - پس کیست از شما قوم او که خداش باوی باشد. او به اورشليم که یهودا است برود و خانه یهوه را که خدای اسرائیل و خدای حقیقی است در اورشليم بنا نماید».

این نکته در تاریخ ما روشن است و دیگرانهم تایید کرده، سنگ نبشته‌های نیز گواهی میدعند که طبقه دوم خاندان سلطنت کیانی در پارس را یونانیان اکیان Achaean و بشکل دیگر اکیامندز Achaeamenedes می‌نامیده‌اند که معنی کیامند یا کیامنش میدهد و مردم با ختر ایران آن روز که سامی نزدیک بوده؛ به لهجه خود هیخامنش گفته و مینوشتند اند و در هنگام گشایش با بل ۱۲ قرن از عصر واقعی زرتشت میگذشته و نام آفریننده جهان در دین هزدیسان زردشتی؛ هورمزد؛ کوتاه شده (اهورامزدا) برده میشده و پادشاهان پارس فرمان خود را بنام اهورامزدا آغاز میکردند ولی تورات به لهجه خود «یهوه» نوشته گویا خواسته نام خدای حامی خود را از زبان شاه باز گوکند و این خوبی هر قوم نادان و ناتوانست که همه چیز خوب و آبرومند دیگران را به خود بینند و از آن بهره برداری کند این است که فرمان

شاه را که صدھا بر گه تاریخی وجود دارد که هماره اهورامزدا عنوان میشده به یهوه تبدیل کرده است.

باری فرمان آزادی کیخسرو زمان یا کورش (Cyrus) در باره یهود محدود نبود، آنها آزاد بودند که به اورشلیم بروند یا در با بل و شهرهای دیگر با حقوق و حدود یکسان بمانند ولی آنچه از آنانه وظروف خانه قدس در خزانه آشوریان بجامانده بود به آنها سپرده شد و فرمانی صادر گشت که بتوانند شهر و دیار خود رفته ویرانهای را از نو بسازند و پرستشگاه را دوباره برپادارند و با آزادی و انسانیت برای بر آین امپراتوری فارس زندگی را ازسر گیرند. اما مردم آسامان بویزه فلسطینیان اصیل بلکه گروهی از خوشآوندان خودشان بدوار شاهنشاهی عرب پنهانگار شده، نوشتند:

این شهر «اورشلیم» و این اسیر شدگان کانون فتنه و فساد و شرارت است باز بنای زد و خورد و کشمکش نهادند و هماره نمایندگانی از دوسوی بدر بار فرستاده دادخواهی میکردند،
چه این نجات یا فتیگان میگفتند :

یهود خدای بنی اسرائیل و اورشلیم خانه خدا - ویژه آنهاست . تنها آنها در دیده یهود گرامی هستند . درست مانند عربها که محمد و قرآن را از آن عرب دانسته ؛ خود را از دیگران برتر می‌شمردند و سرور مسلمانان میدانستند و همه جو روز شتکاری و دژکامی را به خود اجازه میدادند . یهود نیز همین خود بینی را داشته از کنار دریای سفید تا کرانه فرات را مال خود میدانستند ولی عرب دو امپراطوری رم و ایران را ارت پدری پنداشتند و از جبر تاریخ غافل بودند .

اگر شاه ایران یهود را آزادی و پرواوه زندگی نوین نداده بود، بسا که امروز بیش از کلده و آشور نام و نشانی در تاریخ نداشتند. این قوم که زیرسايه همایون شاهنشاهی ایران با آزادی و یکسانی حقوق میزیستند، در داستان معاشقه خشا یارشاه با استر (دختر زیبای یهود) نقشه و دسمیسه خائناهای چیدند که در يك روز هزاران تن ایرانی با هیئت وزیران نابود گردند، هنوز هم سالروز آن ماجراي رسوارا جشن میگيرند. اگر از آنها كه بفلسطين رفته بتوان چشم پوشی كرد، چرا باید گروهي كه ۲۵۰۰ سال است در ایران با مسالمت و برآبری حقوق پذير فته شدند و بدريستي ايراني شده زبانشان نيز پارسي است، در گرفتن چنین جشن توهين آميزی به ايرانی؛ اقدام کنند؛ شگفت تر اينکه در آغاز دوره رضا شاه پهلوی كبيير كه از آزادی و گشايش بيشتری در زندگی برخوردار گشتند، داستان افسانه نمای عشقی است مرد خای را نمایش میدادند، گويا با اينكار ميخواستند ناسپاسی و پیغمان شکنی تاریخی خود را ياد آور شوند؟. چرا باید پول اين کشور را بنامهای گوناگون

حبيب الله فرازمند

ذرتشت نامه منظوم

(۲)

که کاخ اشوئی بنا گشت و دین
 شود چیره نیکی به ریوو دروغ
 کسی را به کس نیکخوئی نبود
 وزین دشمنی ها دل خلق تنگ
 نه امید رستن ز مکرو و دغا
 روانها ز بی دانشی ناتوان
 ز احوالشان بی خبر اغنيةا
 وز اندیشه ناتوانان بدور
 بمکنت جدا مانده از دیگران
 د گر هردمان را ستم بود و رنج
 نبد رسم خود کامگان یاوری
 جدا مانده از رسم شهر و دیار
 ز تاراجشان زندگی ها قیاه
 ز بیدادشان جسم و جان خسته بود
 نه بر کار خود دیده چشمی گواه
 فرو مانده در کار و فرجام خود

بعد پیام آور راستین
 وزان پیش کائین بگیرد فروغ
 به مردم نشان از اشوئی نبود
 بهر جا جدا ای پدیدار و جنگ
 نه آئین نیکی نه رسم صفا
 تن هردمان خسته از فقر نان
 همه خلق با رنج و غم آشنا
 یکی محظشم گشته با ظلم و زور
 یکی منع از فقر برزیگران
 گروه توانگر خداوند گنج
 در آن روز گاران ز اباوری
 گروهی بدام توحش دچار
 بیابان نشین مانده و کینه خواه
 فساد و تباہی از این دسته بود
 همه اهرمن کیش و گم کرده راه
 پرستنده دیو و اصنام خود

بکشتند گاوان مراین جاهلان
نه در بند کشت و نه در بند خویش
وزان، قحطی و فقر بنیان گرفت
وز آنان که چون مورروزی کشان
نه کشتی وزرعی که سودی برند
پرستنده دیو و ریو و هوای
به شهر و به شهر یگری کرد خوی
نیالوده خود را بکردار نشست
به به روزی خویش امی - دور
ز تیمار افزون شدی هر زمان
جدا گشته از دسته بت پرست
ستایشگر آتش خوب چهر
که خود آب و باران برآسودشان
که از خانمان ماند زیشان نشان
جهان بود تیره کران تا کران
که تنها به مردن آن آسوده بود

به نگام قربانی از بیم جان
نبستند گاوان به شخم و به خیش
بدینگونه احشام نقصان گرفت
غذاشان ز یغمای زحمت کشان
نه عادت که مأوا به شهر آورند
گروهی بدینگونه بد کیش و رای
گروهی از این شیوه گردانده روی
بهم بار در کار و سر گرم کشت
بیابان رها کرده سر گرم کار
ستوران و احشام این مردمان
بکشتار گاوان نیالوده دست
پرستشگر ماه بودند و مهر
به آب و به بازان نظر بودشان
بدلشان گرامی بدی خانمان
چه سود آنکه از جهل نا بخردان
در این دوره آسودگی مرده بود

بکام کسان آب صافی شرنگ
ستم پیشه گردون و ظالم سپهر
پدید آمد و هستی آمد تباہ
بر آمد نبرد و بپا گشت کیم
بسیجیده گشتند بر کارزار
به ابزار پیکار آراسته

بدینگونه عصر جفا بود و جنگ
ز دلها برون رفته نیکی و مهر
به ناگاه رخسار جنگی سیاه
کله رز «توران» و «ایرانهین»
جوانان و پیران رها کرده کار
در آن نوجوانان نو خاسته

که از همگنان گوی سبقت بپرد
 فلک برق تیغش بمیدان نجست
 ز پشت «پوروشسب»^۲ مه خانمان
 بد هستی «بد» و «نیک» آمد پدید
 د گرسو دل از جنگ و غارت بدرد
 نه میشد که غافل ز مردم غنو
 که مردم چگونه رهاند زند
 وز اندیشه زشت اه-ریه-منی
 وز آثار شومش کمرها خمید
 گروهی تن افسرده از کارزار
 بدینگونه آمد توان ناتوان
 دلش گرم و خونین بغم در طبیعید
 نهد مرهم و شادی آرد به جان
 دلی میشد از مهر بانیش شاد
 چنان عالم آمد که آرد بکار
 فروغی که جانها از آن خیره شد
 جوان بود و در عرصه بیست سال
 بدیدار خویشان خود رو نمود
 دلش غرق شادی بشادی طبیعید
 بشد خیره، خورشید در بر کشید
 دنباله دارد

جوان بر از ندهای بود و گرد
 بهنگام پیکار چالاک و چست
 همو بود «زرتشت اسپیتمان»^۱
 کز آغاز درد آشنا بود و بد
 زیکسو رخ مردم از فقر زرد
 نه تاب تحمل در او مانده بود
 فرو رفته در خویش و اندیشمند
 ز بند هوا، مستی و دشمنی
 نپائید جنگ و بپایان رسید
 بهر گوشه جمعی پریشان و زار
 غم نان و زخم تن و بیم جان
 بدین رنج و حرمان که «زرتشت» دید
 بر آن شد که بر زخم درماند گان
 جوان بود و هر جا قدم می نهاد
 که در خردی از دانش روز گار
 بدینسان به پندار او چیره شد
 در این دوره «زرتشت» نیکو خصال
 که از جنگ «توران» بر آسودوزد
 چو در خانمان آمد و خانه دید
 چو خورشید رخسار مادر بدید

Spitman - ۱ نام قبیله پدری اشو زرتشت است.

Porushasp - ۲ نام پدر اشو زرتشت.

نوشته: هاشم رضی

شاخه زرین

(۲)

روحانیان از شاخه‌های زرین گیاه هوم ، شیره کشی کرده و با افزودن چیزهای بدان نوشابه‌ئی فراهم میکردن که در مراسم مذهبی نوشیده میشد . گیاه هوم گیاهی بوده دارای خواص درمانی و طبی و در اوستا سروره‌مۀ گیاهان اهورا آفریده و نیک میباشد و بهمین سبب است که تشخّص یافته و در مفهوم ایزدی ، یعنی گیاهی مورد ستایش درآمده است . این مفهوم در بیانی غنایی و شاعرانه ، چنین آمده است:

ستایم ابرها و باران را که پیکر تورا به بالاند بر فراز کوه ، ستایم آن
قله کوهی که تو در آنجا بروی بدی ای هوم . ستایم زمین فراخ پرین کار -
فرمای بخشایشگر در بردارندۀ تورا ای هوم پاک ، ستایم سر زمینی را که تو
از آنجا بسان یل گریاه‌های خوشبو و گیاه خوب‌مزدا هیرویی ، ای هوم بروی
بر زبر کوه و نموکن در همه جا ، بددستی تویی سرچشمۀ راستی .^۱

هنگامی که موبدان و روحانیان در کار فراهم کردن و بدبست آوردن عصارة هوم میباشند ،
و در روز گاران کهنه که مراسم ستایش و نیایش برای این گیاه مزدا آفریده برپا میداشتند ،
این چنین سرودهایی را زمزمه میکردن و میخواستند تا این گیاه درمان بخش و شادمانی افزای
بیالد ، رشد و نمو کند و بسیار فراوان گردد . در هر خانواره‌ئی و میان هر خان و مانی که هوم
وجود داشت ، بیماری و مرض نا بوده‌ی شد . هر چند نوشابه‌یی که از هوم فراهم میشد ، مستی
آور بود ، اما در آن مستی خشم و بیخودی وجود نداشت ، سروری بود اهورائی ، چون هوم
نشاط و سرور سالم همراه داشت و به تن مؤمنان درستی و سلامت می‌بخشود . مطالعه در متن
«هوم یشت» این معنا را بروشنی آشکار می‌سازد .

هوم گیاهی بوده است که افزوده برخواص مستی آورش ، دارای ویژه گیاهی فراوانی

بوده در درمان بسیاری از بیماریها . چون دارای چنین خواصی بوده ، آنرا گیاهی ایزدی و مزدا آفریده پنداشتند و بر آن شدند که چون گباه مقدس است باستی بوسیله روحانیان شیره اش فراهم شود و با اعمالی مذهبی همراه باشد تا اثرات درمان بخش آن دو چندان گردد و برای تأثیر بیشتر هنگام پالایش برای آن مراسم پذیدآمد ، چون عنصری مقدس پنداشته میشد و کم کم وی را بمحض ویژه گیهای نیکش تشخیص بخشیدند و ستایش کردند وقد ردانی و عواطف خود را بدینگونه ابراز داشتند . گرایندگان در نیایشش چنین میگفتند :

ای هوم هرا از آن درمانهایی ده که تو از آنها درمان سازی ؟ ای هوم هرا از آن پیر و زیمایی ده که تو از آن دشمن را شکست دهی . خواستارم که دوست و ستایشگر تو باشم ، یک دوست ستایشگر را دادار اهورا مزدا بپر خواند چنانکه اردیپنهشت را . تو را ای دلیر آفریده دادار ، بغض صنعت گمری ساخت تورا ، ای دلیر آفریده دادار بغض صنعتگری بر البرز فرو نشاند پس خداوند برای نخستین بار هوم رادرقله البرز کوه پذیدآورده دنباله مطلب چنان است که دانه هوم بوسیله پرنگان منتشر گشت و در کوههای بلند این گیاه اهورائی روئید ، گیاهی که زرگون است و دارای خواص درمانی فراوانی است . ستایندگان از این گیاه درخواست میکردند تامنش بد ، دروغ و خشم و بدگوئی را از آن براند ، چون هوم گیاهی اهورائی بود و طبعاً بنا بر اصل فلسفی آئین زرتشتی لازم می آمد تا با تمام نیرو برضدزشی و پشتیبان نیکی باشد . از سوئی دیگر چون دارای چنان خواصی بود ، مردم معتقد بودند در هوم نیرویی ایزدی موجود است و بین سبب درهیات ایزدی وی را تشخیص بخشیدند .

هر کسی بازادی حق نداشت تا در مراسم فراهم کردن شیره هوم حاضر باشد ، بویزه همه کسان نمیتوانستند از نوشابه هوم بازادی بنوشنند . در مقامهای تشریف و بهرام ایزد ملاحظه کشت که حق استفاده از فدیه و میزد تنها از آن مؤمنان است ، در هوم یشت نیز این امر تصریح شده است .

نماید از برای من آنایی که از آن هوم نوشیدند بد لخواه خود مانند گماو در فرش [= در فرش کاویانی Gtansh Drafsha] در جنبش باشند - باید آنایی که از تو نشأه یابند زده دل پیش روند و ورزیده و کار پرداز بدر آیند .

هم فزاينده دانشها ونيکيها وصفات اهوراگي است. منش درويش آزاده راچون آن توانگر ميكند. برداش دانشور می افزايد و پهلوانان را از نيروي بيشتر برخوردارمي کند و خرد رامي افزايد و بموجب قائل بودن بهمين خواص از برای هوم بود كه چنین قدر و ارزشي داشت.

با توجه بهمين نکات است که میتوان افزوده های زرتشتي را بر هوم يشت مشخص کرد قسمت هائي از اين يشت که در مراسم قرباني برای هوم و شريطي آن است، از جمله مراسم عصر آرياني پيش از زرتشت ميباشد که ريشه هاي ش دراد بيات و دائي روشن است. فشرده هوم را ننوشیدن و نگاه داشتن فعلی ناشايست بوده است و در آداب و رسوم، عملی اهر يمنی شناخته ميشد. بهمين جهت است که هوم کسانی را که فشرده اش رانگاه دارند، نفرین ميكنند که : بی فرزند شوی و به بدنامی دچار گردي^۱

در عهد قدیم آرياني از برای هوم ايزد ، ايزد موکل گياهان چون دیگر ايزدان قرباني ميکردن^۲ و زبان و شانه و چشم چپ قرباني از آن ايزد هوم بوده است و در ودائی نيز بتفصيل از مراسم قرباني برای سوم Soma گفت و گو شده است. اعضائي از قرباني و قسمتی از آن که ويزه ايزد بوده است ، محترم و محفوظ بوده و کسی راحق دست درازی بدانها نبوده است ، چون عواقب بدش دائمگير وي ميشده است .

در همين قسمت از هوم يشت اشاره شده است بگرفتاري افراسياب بواسيله هوم که داستان دلکشی دارد و در شاهنامه نيز منعکس شده و در مقاليه جذاگاهه از آن گفت و گو ميشود. پس از بند هشتم از یسنا يازدهم ، تا پايان اين بخش از یسنا ، سرودهائی آمده است که گويا هو بدان بهنگام پروردن هوم ميسروده است.

در ويپرورد نيز از هوم بحسبت با تفصيل ياد شده است ، و آن در بيان پيشکش کردن هوم است به ايزدان و همه عناس نيك هردا آفریده که با بيانی احساس انگيز سروده شده است و نه تنها در اين ميان گياه مقدس هوم ستوده شده ، بلکه همه گياعهای درمان بخش سنا يش شده اند و مطالعه اين قسمت از ويپرورد ، جهت معرفت بخواص ونيکيها وكارهائی که هوم را بوده است سودرسان ميباشد.^۳

آئینهای که در روز در گذشت اشوز رتیشت بر گزار گردید

تهران - روز پنجم دیماه (حیرایزد و دیماه) بمناسبت روز در گذشت اشوز رتیشت تمام مؤسسات فرهنگی - اجتماعی و مراکز کسبی و بازرگانی همکیشان تعطیل بوده و در ساعت هشت و نیم بنا بر دعوت انجمن محترم زرتشتیان تهران در تالار خسروی گردآمده و در مراسم مذهبی که با حترام این روز برباگشته بود شرکت جستند و پس از آنکه آئین نیایش خوانی انجام یافت موبد دانشمند آقای رستم شهرزادی سخنان مشرح و مستدلی پیرامون زندگانی اشوز رتیشت و تعالیم این پیامبر بیان داشتند.

در حدود ساعت ده و نیم که این مراسم پایان پذیرفت جمعیت برای حضور در مراسمی که از طرف سازمان فرهنگی جوانان زرتشتی در تالار جمشید آبادیان واقع در کاخ فیروزه (آرامگاه) برقرار بود بوسیله اتو بوشهایی که از طرف سازمان نامبرده آمده شده بود بدانسو روانه گشتند و پس از پذیرائی مراسم نیایش خوانی با حضور عده کثیری آغاز گشت نخست آقای موبد اردشیر آذر گشتب با بیانی شیوا زندگانی و تعالیم این پیامبر را برای حضار تشریح نموده رعایت آداب و رسوم مذهبی را در موادر مختلف گوشتند.

سپس آقای خسرو باستانی با بیانی مؤثر و پر حرارت قصور افراد را در برابر وظایف اجتماعی که بر عهده دارند یاد آور شدند آنچنانکه شنووندگان را تحت تأثیر قرارداد. این مراسم در ساعت ۴ و نیم بعد از نیمروز پایان یافت.

برا بر گزارشای رسیده از یزد - کرمان - شیراز - اصفهان - اهواز و تمام دهات زرتشتی نشین یزد در روز پنجم دیماه میجالس نیایش خوانی و سخنرانی برباگشته و با حترام این روز تمام مؤسسات فرهنگی و اجتماعی و کسبی نیز تعطیل بوده است.

چاپخانه راستی

تلفن ۴۹۶۴

از : سرهنگ ۳ موبد (سر باز)

بیاد ۱۵ بهمن ۱۳۷۷

سالروز رفع خطر از شاهنشاه آریامهر

شیشه را حفظ کند در دل سنگ
 تا کند روز وطن را شبر نگ
 جانی و تیره دل و بی فرهنگ
 از چنین حادثه یکمرتبه تنگ
 خورد چون تیر خطا کار به سنگ
 سپر تیر تبه کار زرنگ
 شد رهانده شه از نیرنگ
 شد جهان در نظر خائن تنگ
 دامن آلوه نسازد با نمگ
 اندر آن شاه بود چون شاهنگ
 شد هنای خیانت بی رنگ

آن خدایی که کند گر آهنگ
 شاه را کرد هدف بدخواهی
 از خدا بسی خبری بود یقین
 شد جهان در نظر ایرانی
 باز خرسند و خرامان گردید
 گشت خوشنودی اطفال یتیم
 حافظ شاه خدا می باشد
 معجز آسا ز خطر گشت رها
 هر که باور بخدا می دارد
 چون ترازو بود آرامش ما
 شکر از رفع خطر باید کرد

همچو (سر باز) کند ایرانی
 هر زمان بابدی و پستی جنگ



شماره ۱۱۵

هوخت - دوره شانزدهم - سال ۱۳۴۴

صفحه ۲۲

سالگرد کتابخانه اردشیر یگانگی

بنا بر دعوت انجمن زرتشتیان تهران عدد زیادی از دوستداران فرهنگ و کتاب و همکیشان در ساعت شش بعد از نیمروز یکشنبه دوازدهم دیماه در محل کتابخانه حضور بهم



رسانیده در مراسم برگزاری سالگرد کتابخانه شرکت جستند.
نخست جناب آقای ارباب سنتم کیو سناטור محترم و دیگر انجمن زرتشتیان تاریخچه
تأسیس کتابخانه و آمار مراجعین و کتابهای اهدای را بیان داشتند (شرح آن جداگانه درج
گردیده است).

آنگاه جناب آقای سناטור دکتر صدیق طی بیاناتی مشروح و مستدل مقام خیام رادر
جهان برای حضور تشريع فرمودند که خلاصه‌ای از آن چنین است:
نخست به ستایش از خدمات فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان پرداخته و از آماری که
جناب آقای سناتور گیو راجع به فارغ‌التحصیلان از مؤسسات فرهنگی زرتشتیان بیان نداشته
بودند اظهار مسرت و قدردانی نمودند و آنگاه چنین ادامه دادند:

زرتشتیان در هر جا هستند منشاء اثر کارهای نیک و سودمند اجتماعی هستند کما اینکه
در چند سفر بهندستان شاهد و ناظر خدمات وسیع اجتماعی و آثار نیک اینگروه خدمت‌گذار
بوده و بهمین جهت بسیاری از خیابانها بنام نیکوکاران این جماعت نامگذاری شده است
و همچنین مجسمه‌هایی از این رادمردان در میادین بچشم می‌خورد. مبالغه نیست اگر بگوییم
که مؤسسه مطالعات و تحقیقات اتم و اتم‌شناسی تاتا (پارسیان) در هندستان و سمعتش از بسیاری



از دانشگاهها بیشتر است کما اینکه در ضمن ملاقاتی حضرت دکتر پراساد رئیس جمهور آنروز هند در تعریف از خدمات و فعالیت پارسیان فرمودند « صد و بیست هزار نفر پارسی برای ما از یکصد و بیست میلیون نفر بیشتر ارزش دارند » خلاصه آنکه زوتشیان در همه جا منشأ اثر کارهای خیر و نیک بوده و هستند . اینک باصل موضوع یعنی راجع به مقام خیام در جهان میپردازم .

در جهان سه اثر پارسی شهرت و دوستداران فراوان دارد یکی کتاب کلیله و دمنه است که در زمان اتوشیروان دادگر از هند بایران آورد شد و پس از ترجمه بزبان پهلوی چند فصلی هم برآن افزوده گشت و دیگر کتاب هزار افسان است که از پهلوی عربی ترجمه و بنام الفلیل بجهان عرضه شد و سوم رباعیات خیام میباشد که امروزه در جهان خواندنگان و دوستداران فراوانی دارد برای نمونه دو گواه بیاددارم .

روزی برای بازدید از کتابخانه کنگره بواشنگتن رفته بودم یقیناً نام این کتابخانه را شنیده اید این کتابخانه در آن زمان متجاوز از پنج میلیون جلد کتاب داشت و یقیناً در حال حاضر ازدواج برابر هم تجاوز نموده است پس از ملاقات بارئیس کتابخانه دستورداد معاونش مرا در بازدید از کتابخانه راهنمایی کند شخص نامبرده چون استنباط نمود که من ایرانی هستم اظهار داشت شما باید از کشور خیام باشید و آنگاه کتابی از رباعیات خیام از جیبیش بدر آورده نشان داد و اشتیاق خود را بمطالعه آن اظهار نمود .

همچنین روزی در گیشه پستی اختصاصی دانشگاه که در آنجا چهل هزار نفر دانشجو سرگرم تحصیلند برای دادن پاکتی در دریف مراجعن ایستاده بودم و چون نوبتم رسید و مأمور پست پاکتم را گرفت و نام ایران را بر آن خواند بالبختی اظهار داشت شما از کشور خیام هستید و با ارائه رباعیات خیام اظهار داشت و این است آنچه که من دوست دارم و آنرا بمطالعه میکنم و حتی چند رباعی را بحفظ خواند و سپس افزود که در آینده برای دادن پاکت از دور دست خود را بلند کنم و دیگر منتظر نوبت نباشم با این علامت فوراً کارم را انجام میدهد .

در امریکا مؤسسات انتشاراتی بسیاری هستند که سالیانه رباعیات انگلیسی خیام را چاپ و بفروش میرسانند که هر یک ۲۵۰ هزار نسخه هم کمتر نمیباشد .

اما سرگذشت مترجم و سراینده رباعیات انگلیسی خیام نیز شنیدنی است یقیناً می‌دانند رباعیات خیام توسط عده‌ای بزبانهای خارجی ترجمه شده است و حتی چند نفر به انگلیسی ترجمه نموده اند اما ترجمه‌ای که امروز خواص و عوام آنرا دوستدارند سروده و ترجمه فیتز جرالد است .

فیتز جرالد که هنگام تحصیل در کامبریج بزبان پارسی آشنا گشت و خود دارای مردم و عقیده‌ای همانند خیام بود با آنکه چند اثر فارسی را با انگلیسی برگردانیده بود معهد اچنдан برایش لذت‌بخش نمود تا آنکه روزی از استاد خود نسخه خطی از رباعیات بدستش رسید (در این هنگام بوسیله سلاید فیتز جرالد و نسخه خطی رباعیات خیام بحضور نشان داده شد) و با مطالعه آن گمشده خودرا یافت و آنرا با انگلیسی درپیکره شعر درآورد و در دفعه اول که آنرا توسط ناشری بدون معرفی سراینده به جاپ رسانید بنامی فرجام یافت زیرا کسی بخریدش روی خوش نشان نداد کتابی که ده ریال ارزش داشت به یکریال هم نخریدند و جزء اوراق باطله درآمد.

چند سالی گذشت و یکی از روزها شخصی در کنار خیابان یک نسخه از این کتاب را خرید و پس از مطالعه دوستان خود آقای روزنی و سوین برن را بوجود چنین کتابی مستحضر نمود و طولی نکشید که برای خرید این کتاب بجستجو پرداختند ولی باسانی و ببهای نازل میسر نگردید و بالاخره از همین جا فیتز جرالد را اقبال روی نمود و همین آقایان بدنبال سراینده بجستجو پرداخته و چون علاقه داشتند مترجم و سراینده آنرا بشناسند نسخه‌ای از رباعیات را به راسکین نویسنده مشهور انگلیسی نشان دادند و مشارالیه هم شیفته این اثر ارزنده گشت و بكمک دولستان خود شنافت تا آنکه پس ازده سال جستجو فیتز جرالد را شناختند و در انتشار اثرش بکوشش پرداختند تا آنجاییکه امروز شهرتش جهانگیر گشته و در ردیف پر فروشنده‌ین کتاب‌ها درآمده است و همانند کتاب‌های مقدس در خانواده‌ها حفظ و مطالعه می‌شود. این بود اندکی از تاریخچه ترجمه و انتشار رباعیات خیام درجهان.

آگهی

هنازه اردشیر خسرویانی واقع در خیابان فردوسی نزدیک هجدهم
حلویات یزد نازه و گزاصفهان سفارش شده را همانند سالهای گذشته تهیه و
در دستور من عموم هشتادیان محترم گذارد است.

ضمناً هیتوانید با تلفن‌های ۰۹۱۸ و ۰۹۱۷ برای تهیه و سفارش
شیرینی خود با ما تماس بگیرید.

**پیافات جناب آقای ارباب رعایتم گیور سناشو رعایتم
و رئیس انجمن زرتشتیان تهران در مجلس
سالانه کتابخانه اردشیر یگانگی**

جناب آقای دکتر عیسی صدیق سناشو رعایتم.

با اوان و آقایان ارجمند از اینکه بذل عنایت فرموده دعوت انجمن زرتشتیان را قبول و برای شرکت در مجلس سالانه کتابخانه اردشیر یگانگی تشریف آورده‌اید اظهار تشکر و سپاسگذاری مینماید.

بطوریکه خاطر حضار محترم مستحضر است خوشوقتانه انجمن زرتشتیان تهران پیاس انجام وظیفه دینی و مملی و بمنظور خدمت بفرهنگ کشور و آموزش و پرورش نونهالان و فرزندان این آب و خاک که از ۵۹ سال پیش تاکنون بتأسیس دبستانها و دبیرستانهای دخترانه و پسرانه و کودکستان توفیق یافته و در این مدت از آموزشگاههای زرتشتیان ۵۲۸۱ نفر دختر و ۵۶۶۱ نفر پسر ایرانی باخذ گواهینامه رسمی نائل شده‌اند که اکثر آن امروزه شاغل مقامات عالیه کشوری و اشکری و از شخصیت‌های مفید و خدمتگذار کشور



شاهنشاهی میباشد که موجب افتخار و سرافرازی است.

نظر باینکه انجمن زرتشتیان تهران بمنظور تکمیل خدمت فرهنگی و نشر و توسعه بیشتر دانش و بیشن از سال های پیش در فکر تأسیس کتابخانه برای استفاده عمومی بوده.

خوشوقتانه در ۸ سال پیش سر کار با نوفرنگیس یگانگی دخت روانشاد ارباب کیخسرو شاهرخ و همسر روانشاد اردشیر یگانگی که از مردان خیر و دهشمند و نیکوکار زرتشتی بوده اند با انجمن زرتشتیان پیشنهاد نمود که حاضر هستند کتابخانه ای بنام روانشاد همسر گرامیشان بر روی ذمین ملکی انجمن زرتشتیان تهران که متعلق به جماعت زرتشتی است بنا شود از این پروژه درخواست ایشان با خوشوقتی مورد قبول واقع و در جزو ساختمانهای جدید انجمن ساختمان این کتابخانه نیز که ملاحظه میفرماید بر روی ۲۰۹ مترمربع از اراضی ملکی بمبلغ ۷۹۴۰۰۰ ریال بنا و بنام کتابخانه اردشیر یگانگی نامگذاری گردید و امید است این کتابخانه با مساعدت و کمک مصنفین و مؤلفین و فرهنگ دوستان و خبرخواهان از کتابخانه های بزرگ جهان و موجب استفاده و استفاده دانشمندان و مطالعه کنندگان و چراغ فروزان پویندگان راه داش و معرفت گردد.

ضمناً باطلاع میرساند که سر کار با نو فرنگیس یگانگی علاوه بر پرداخت هزینه ساختمان کتابخانه اردشیر یگانگی مبلغ ۲۵۷۰۰۰ ریال نیز بابت تهیه قفسه و میز و صندلی و سایر لوازم و کتب کتابخانه پرداخته اند که موجب سپاسگذاری است و انجمن زرتشتیان نیز از محل بودجه عمومی خود تاکنون جمماً مبلغ ۵۱۰۴۰۴/۵ ریال بابت هزینه اداری و متفرقه و خرید کتاب و تجلیل و صحافی کتب کتابخانه اردشیر یگانگی پرداخت نموده است.

تعداد کتاب موجوده.

این کتابخانه تا امروز دارای ۶۸۷۸ جلد کتاب و مجلات بزبان فارسی و لاتین و زبانهای دیگر میباشد که از این عدد کتاب تعداد ۲۵۱۴ جلد آنرا سر کار با نو منوچهر هومجی که یکی از پارسیان بنام و محترم و روزنامه نگارهند بوده بکتابخانه انجمن زرتشتیان تهران نیاز نموده اند که آمرزش روان منوچهر هومجی و پاداش نیک با نوی خیراندیش و نیکوکارشان را از خدای بزرگ خواستاریم.

علاوه برای اینکه ذکر خیری از دهش کنندگان کتاب شده باشد اسامی اهداء کنندگان کتاب از اول دیماه ۱۳۴۴ تا دیماه ۱۳۴۴ که جمماً ۳۶۳ جلد کتاب بکتابخانه اردشیر یگانگی اهداء نموده اند بشرح ذیر میباشد ضمناً باطلاع میرساند بطور یکه در گزارش سال پیش سالگرد کتابخانه یگانگی باطلاع حضاره محترم رسیده در ۷ سال گذشته نیز تعداد ۰۲۲۴

جلد کتاب از سوی فرهنگ پژوهان بکتابخانه یگانگی اهداء گردیده است . اینک اسامی اهداء کنندگان ۲۶۳ جلد کتاب در سال اخیر .

کتابخانه آبرام لینکلن	جلد کتاب و ۸۴ شماره مجله
آقای منوچهر لهراسب	» ۶۱
» اردشیر فرhadیه	۴۸ جلد کتاب
» جهانگیر موبد	» ۳۹
» پرویز یگانگی	» ۲۲
جناب آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده محترم مجلس	» ۲۱
بانو روشن روان	» ۱۹
» مروارید موبد	» ۱۶
آقای خسرو سترگی	» ۱۱
بانو فرنگیس یگانگی	» ۱۰
» کتابیون اسپتمان	» ۹
آقای انوشیروان ساسانی	» ۹
انجمن محترم پارسی پنچایت	» ۸
آقای مهریان مهر	» ۶
» اردشیر ساسانی	» ۶
» شجاع الدین شفا	» ۵
بانو مهین لهراسب	» ۴
آقای دکتر ایرج بهروزی	» ۴
بانومهین بهروزی (فرخزاد)	» ۳
» فیروزه بهروزی	» ۳
یکنفرناشناص	» ۳
آقای افلاطون شاهرخ	۲ عدد کلیشه بزرگ کس اشوز رشت
انجمن زرتشتیان تهران	۲ جلد کتاب
بانو خانم بهزادیان بنامگاهه روانشاد دکتر شهریار سلامت	
یک جلد کتاب نفیس و ۹ شماره مجله	
آقای هورپاس	
هیر بد جمشید کاووسجی کاتراک	» ۲
» ۲	

آقای اسلام ارجمندی
۲ جلد کتاب

بانو پری پیریان و آقایان هرمزد بهروزی - فریدون زرتشتی - اردشیر جهانیان -
جهانگیر ایرمیان - محمدعلی امیرافسر - دکتر جوانمرد - سرکار سرهنگ بیکلار پور -
بهرام عدالت - اردشیر فرزانگان - باغچه‌بان - سرکار سرهنگ دکتر اشیدری - رستم
ماونداد - قاضی مرادی مؤسسه عالی حسابداری و سازمان فروهر و انجمن فرهنگ ایران
باستان هریک یک جلد.

جمع کل ۳۶۳ جلد کتاب و ۱۵۴ شماره مجله.

ضمناً باطلاع بانوان و آقایان محترم میرساند که آقای ارجمند شهرزادی علاوه بر
مدیریت کتابخانه همیشه برای راهنمائی مراجعه کنندگان و پژوهندگان فرهنگ و آئین
ایران باستان و کمک به مؤلفین و نویسنندگان کتب و رسالات و مقالات و سخنرانیها در کتابخانه
آماده بانجام خدمت هستند فعالیت و علاقمندی ایشان و دوشیزه شهین باستانی کتابدار کتابخانه
و هجوب سپاسگذاری است در مدت یکسال اخیر ۸۶۵ نفر از بانوان و آقایان برای مطالعه
و پرسشهای دینی و فرهنگی بکتابخانه رجوع فرموده‌اند.

در پایان از طرف انجمن زرتشتیان از هیئت محترم مدیر کتابخانه اردشیر یگانگی
بویژه از سرکار بانو فرنگیس یگانگی اظهار سپاسگذاری نموده پاداش نیک ایشان و روانشادی
اردشیر یگانگی همسر گرامیشان را از پروردگار توانا خواستاریم.

همچنین از مؤسسات محترم فرهنگی و آقایان و بانوان داش دوست که بمنظور خدمت
بر فرهنگ و علم و ادب تعدادی کتاب بکتابخانه اردشیر یگانگی اهداء نموده‌اند با تشکر و
سپاسگذاری توفیق و کامیابی همگی را خواستاریم.

موقع را منتنم شمرده بار دیگر از تشریف فرمائی بانوان و آقایان محترم سپاسگذاری
نموده و با اظهار امتنان و تشکر از جناب آقای دکتر عیسی سدیق که استدعای انجمن
زرتشتیان را قبول فرموده‌اند خواهشمند است بایانات خود حضار گرامی را مستفیض فرمایند

آگهی

از کلیه مشترکین محترم خواهشمند است بمجرد تعیین محل کار یا منزل
آدرس جدید خود را بدفتر مجله اطلاع‌دهنده مجله با آدرس جدید آنها فرستاده شود
دفتر مجله

« عاقل به کنار جوی تاره می‌جست،
« دیوانه پا بر هند از آب گذشت،

سندھی

حیات‌الله فرازهند

تماشا جنون

من ودل هردو، دودیوانه دل باختهایم
تا تو پیدا شده‌ئی، تیغ به-م آختهایم
چشم بکشاكه دو دیوانه بهم تاختهایم
وین دل باخته در پای تو انداختهایم
تاتو فرزانه بیانی بتماشای جنون .

در تولای تو جستیم تولای جنون
تاشدی جلوه گر از صافی هینای جنون
این زمان سدر نشینیم بدنیای جنون
من و دل هر شبه مستیم زصهای جنون
تازگوئی که ترا یار و فاداری نیست.

عشق اگر جلوه کند، بارجنون باری نیست
تو میندار که غیر از تو دگر باری نیست
ورجنون چهره کند، هیچ شب تاری نیست
تا جنون هست هر را با تو سروکاری نیست
ما بر آنیم که از چندگچ جنون و اندر هیم.

قصد ما بود که از دست تو زیبا، نر هیم
جاؤدان در طلبت واله و شیدا ، نر هیم
اینچه مین بود که فرزانگی از باد برفت.

شد جنون جلوه گر و عقل ز بینیاد برفت
ناله از دست تو و شکوه ز بینیاد برفت
۱ رسیدیم بدانجرا کسه قرا راه نبود .

ازدران خانه جنون بود و غم و آه نبود
خانه‌ای بود ولی خادم و درگاه نبود
اینچه مین خانه بدنیای جنون ساخته‌ایم .

من ودل هر دو، دودیوانه دل باخته ایم
قا تو پیدا شده ای، قیمع بهم آخته ایم
تاتو فرزانه بیائی به تماشای جنون.

نوشته و گردآورده دکتر جهانگیر اشیدری

گوشه‌ای از تاریخ کرمان

در حاشیه مسافرت جناب آقای هیلدا نخست وزیر
بکرمان

(۲۲)

در گفتارهای قبل عده صحبت در باره تاریخ گذشته کرمان و رویدادهای آن سر زمین بود . بمناسبت مسافرت اخیر نخست وزیر بکرمان و شهرستانهای تابعه دنباله تاریخ کرمان را به بعد معرفت نموده و در اطراف مسافرت نخست وزیر بکرمان مطالعه نوشته خواهد شد . همانطوریکه میدانید مسافرت نخست وزیران به استانهای مختلف کشور بعد از سال ۳۲ بتدربیج جزء برنامه بعضی از نخست وزیران مملکت شده و از نزدیک ضمیم بازدید مناطق مختلف بوضع عمومی و احتیاجات و موقعیت محلی و نواقص آشنا میشوند و مزده اقدامات مختلفه در شئون مختلف عمران و آبادانی و تخصیص ۲ میلیارد و هفتصد میلیون ریال جهت انجام برنامه‌های ثمر بخش خود قدم مفیدی در راه جیران بیتفاوتیهای گذشته میباشد .

قبل از اینکه بنتایج اصلی این مسافرت بپردازد بدوموضوع اشاره مینماید .

۱ - در اوخر مهرماه امسال برای انجام مأموریتی بکرمان رفتم و پیشافت کارهای راکه در شرف اجرا بود خوب دیدم و حتی با تماسی که بمناسبت آشنائی قبلی با جناب آقای سعیدی فیروزآبادی استاندار و آقای دکتر برادر شهردار گرفته شد فعالیت مخصوصی بچشم میخورد و امیدوار کننده بود .

۲ - چندسالی بعقب بر میگردد واز نامه‌ای یاد میشود که در سال ۳۶ موقع نخست وزیری جناب آقای دکتر اقبال از کرمانشاه در باره کرمان به نخست وزیری تقدیم و ایشان نیز بشرح زیر قول مساعد دادند که عیناً نقل میشود .

نخست وزیر

شماره ۲۶۱۷۶ - ۳۶/۹/۱۷ سرکار دکتر جهانگیر اشیدری

پیشنهادهایی که ضمن نامه مورخ ۳۶/۹/۸ در مورد آبادانی استان کرمان ارسال داشته بودند

و اصل گردید البته هنگام مسافرت باین استان مورد مطالعه و استفاده قرار خواهد گرفت

امضاء نخست وزیر دکتر اقبال

و اما نامه - نامه طولانی است و قسمتهایی از آن که مورد توجه فرار گرفته و یا بمرحله عمل درآمده ذیلا برای اطلاع و استفاده سایر هم‌شهریان نقل می‌شود .

۳۶/۹/۸

ندیمۀ حکومت نخست وزیری

با عرض آمادگی خود برای شرکت در برنامه‌های آبادانی حتی بدترین نقاط استان بدینوسیله دو برگ پیشنهادات خود را جهت آبادانی منطقه کرمان با استحضار رسائی‌ده و موجب افتخار خواهد بود در این موقع که هیئت دولت قرار است از استان کرمان دیدن فرماوند من هم سهمی داشته باشم و بتوانم در آبادانی کشور و زاد و بوم خود فرموده و مشتبه باشم .

امضاء دکتر جهانگیر اشیدری

و اینک پیشنهاداتی که در آنروز تقدیم شد .

امروز ۳۶/۹/۸ ضمن اخبار در روزنامه خواندم که قرار است هیئت دولت دومین سفر خود را باستان کرمان انجام و از نزدیک باوضاع و احوال کرمان و نواقص و احتیاجات آن آشنا گردد .

برای اینجانب که کرمانی علاقمند بکشور بخصوص بزاد و بوم خود میباشم نهایت مایه خوشحالی خواهد بود و از آنجاییکه هر فردی تا اندازه‌ای بهتر از دیگران از اوضاع و احوال منزل خود اطلاع دارد لذا من هم بنوبه خود خواستم تا آنجاییکه اطلاع دارم نظریات خود را در اختیار بگذارم و اگر نتوانم آنطوریکه لازم است ادای مطلب نمایم بعلت شوری است که در راه آبادانی کشور در دل داشته و دارم و پوزش میطلبم .

عمده خدمت من (البته تاسال ۳۶) در کرمان - جهانگیر - رودبار و سیرجان بوده است .

ضمناً از سایر شهرستانهای این استان مثل رفسنجان - بندر عباس - میناب بافت اسفندقه نیز دیدن کرده و اطلاعاتی دارد و حتی قسمتی از این سرزمین را با شتر و دوچرخه‌طی کرده‌ام . اینک ضمن عرض آمادگی برای انجام خدمت در برنامه‌های این استان ذیلا نظریات خود را بطور خلاصه بعرض میرساند

۱ - آبادانی هر سرزمینی اول موکول بداشتمنابع طبیعی و دوم موکول بزحمت

کشیدن مردم و سوم موكول بفراهم بودن شرایط استفاده از آن منابع یعنی امنیت - عدالت مشتری و خریدار - راه - فرهنگ و بهداشت است .

۲ - این استان زرخیز دارای قسمتهای سردسیری و گرم‌سیری هردو میباشد هم دارای کوهستانهای نسبتاً مرتفع و معادن ارزشده و زیاد و هم دشتها و جلگه‌های وسیع و قابل است .

در قسمتهای ساردو - اسفندقه - بحرآسمان - بافت و غیره (که ماهورین متخصص سازمانهای مختلفه مملکتی در سالهای اخیر بررسی‌های زیادی نموده‌اند) میتوان از وجود منابع نهفته در زیر زمین استفاده کرد .

در قسمت سرزمین جیرفت و رودبار (که هند کوچکش نامند) دشت ارزود شتormیتوان بهترین محصولات را از لحاظ کشاورزی بدست آورد .

در سرزمین بردسیر استعداد کشاورزو دامپروری و در نقاط بافت و بزنجان محصولات سردرختی و غیره که متخصصین بهتر میشناسند . در منطقه رودان موقع توقف در رودبار نقاطی دیدم که دارای نفت بود یعنی نفت با آب از چشمه بیرون می‌آید و اهالی برای معالجه شتران مبتلا به گال مورد استفاده قرار میدادند و برای بعضی امراض جلدی در آبهای آن آب‌تنی مینمودند .

در میناب و رودان استعداد کشت درختان گرم‌سیری (موز - انبه - خرما - مرکبات - فلفل و سایر میوه‌های گرم‌سیری) زیاد است .

در جیرفت و رودبار و بم و نرماشیر تا جازموریان استعداد زمین از لحاظ محصول فوق العاده زیاد است . خود من که در کهونوج شاهد رشد سبزی جات در مدت کمی بودم بوته کرچک درخت میشد و بادمعجان محصول دوساله میداد .

از لحاظ دامپروری همه نوع استعداد دیده میشود . نگاهداری و ایجاد جنگل و هر آنچه پرسود و کم خرج است حتی میتوان در آن سرزمین پهناور شترداری کرد نه بمنظور حمل بار و کالا بلکه بمنظور تهیه پشم و پوست حتی گوشت و سایر محصولات آن .

در سبزواران جیرفت آثار سدی است که گویا از زمانهای خیلی قدیم (شاید ساسانیان) است و دشت جیرفت و رودبار را سیراب مینموده که اکنون فقط آثار کمی از آن باقیست (خوشبختانه در مسافرت اخیر مورد توجه قرار گرفته است) .

در عنبر آباد جیرفت هوکرد و سایر نقاط این جلگه هنوزهم که شده اهالی در خرابه‌ها و تپه‌ها میگردند و آثار و سکه‌های عهد ساسانیان پیدا میشود .

جلگه بم و نرماشیر استعداد خرما - حنا - مرکبات و دانه‌های روغنی را دارد .

در چیزی از استعداد دانه‌های روغنی و مرکبات و خیر ما زیاد است - سبزیکاری و صیغی کاری در موقعیکه سایر نقاط را بخ و برف پوشانیده محصول خوبی برای بازارهای نقاط دیگر است . (درسالهای اخیر محصولات چیزیت بحد فراوان از قبیل هندوانه و باقلاء بازار تهران آمده است) .

بر این نیز بخوبی در چیزیت بدست می‌آید .

گاوهای بیمی و دارزینی در صورتیکه حوب تهدیه شوند از گاوهای گوشتی و شیری سنگین داریں کمتر نیستند (اخیراً ایستگاههای دامپروری در بین نقاط مختلف تاسیس شده و بازهم تأسیس خواهد شد) .

مردمین بشایر از لحاظ منابع معدنی مثل پنهان‌سوز و آهن و سایر منابع غنی است که هنوز بواسطه نبودن راه و دست نیافتن عمقی دولت بکرمانه است (درصورتیکه از طریق میناب و بیابان ویاجاسک بدریاراه باید پرسود خواهد بود) .

وجود راههایی که بین بندرعباس - میناب - کوهنوج - چیزیت داریں با نهادن احداث شود فوق العاده ضروری است که فعل اینمه شوشه است (خوشبختانه راه تا چیزیت و روبار قابل استفاده و پل رودخانه شورنیز چندی قبل افتتاح شد و جناب آفای نخست وزیر وعده تکمیل راهها را دادند) .

بنادر میناب - جاسک - تیاب - بندر عباس و سایر نقاط ساحلی باید وسیله جاده ساحلی از یک طرف بهم مربوط شوند و هم بمراکز شهرستانهای این استان متصل گردند (که درباره بندرعباس و راه آن اقدامات جدی و فوق العاده درجریان است) .

در رفسنجان و سیرجان استعداد کشت پسته - بادام زیاد است که محصول صادراتی خوبی است (که اخیراً خیلی خوب توجه می‌شود و احتیاج بآب زیاد هم ندارد) .

محصول پشم و کرك - فرش - خشکبار - روغن و غیره را میتوان افزایش داد . از وجود جنگلهای پسته‌کوهی (بنه) بادام کوهی با پیوند (سابقه داری) میتوان استفاده نمود قنوات مخروبه را با استلاح کرمانهای (طایفه) میتوان با کمک دولت و غیره مورد استفاده قرار داد .

املاک خالصه و وقفی را باید از سوت فعلی خارج ساخت یعنی خالصه را فروخت و وقفی را به دتهای طویل در اختیار کشاورزان باجاره واگذار کرد (خوشوقت است بدون آنکه از اصلاحات ارضی در آن موقع صحبتی باشد برای پیشرفت این نظریه را داده بود) . زیرا خالصه وقف وضعی ایجاد میکند که ملک آباد نمی‌شود کما اینکه هرجاملاً خالصه و وقت است ره بخرا بی رفتہ و آنچه که خراب شده آباد نگردیده است اما علل عقب افتادگی این استان - که توجه مرکز (بطوریکه در گفتارهای سابق تاریخ کرمان نیز گفته شد) اعلیحضرت فقید موقع عبور از کرمان در بندرعباس فرموده بودند بکرمان توجهی نشده به

سرویس

روانشاد مجدد الاسلام کرمائی

جشن سلاہ

شده موسم جشن سده ساقی بیار و می بده
وز آب آتش سان رسان ها را بنار هوقده
برها خدا از مکرمت فرموده آتش مرحمت
کاین نار پر نور و ضیاء دارد هزاران فایده
زین آخشح پر بهای زین نعمت نعمت نما
روشن شده تاریکها ظلمت شده آتشکده
آن ای نگار مهوشم آبی بزن بر آتشم
من با چنین آبی خوش همچون یهودا زمانده
در همچوروزی محترم در همچو جشنی محتمش
باید شمردن مختنم بر خیز و ما را می بده
روزی خوش و خرم بود چون گفتگوز آتش بود
آبی چو آتش خوش بود ویژ آنکه در آتشکده
بوده هزارین پیشتر فرزانگان جد و پدر
من هستم آنها را پسر که بوداندین هاجده
پس شمعها افروختم تا دانشی آموختم
نک از همین غم سوختم داشت بمن آتش زده
محدا یعن چنین گوید سخن اندر خوزهر انجمن
بهتر ز استادان فن دارای چندین قاعده

روز ششم فروردین یاروزیگه اولین خداشناس و یکتاپرست یعنی اشوار رشت پا بعرصه وجود گذاشت

آیا لازم نیست برای بزرگداشت این روز فرخنده
که زیارت آن اهمیت دیگذارد در این تعطیل عموی
اعلام گردید

چند هزار سال پیش که جهان را ظلمت جهل و نادانی فراگرفته بود و مردم سراسر دنیا معتقد به پرستش خدایان متعدد و گوناگون بودند و بتها ایران که خود میتواشیدند به آنها سجده میبردند و خلاصه دانش پسری باز پایه نرسیده بود که به یکتاپرستی ایمان پیدا کنند و اهورامزدا خدای توانا و یکتارا خالق همه بدانند در استان آذربایجان نزدیکی های رود ارس طفلی پا بعرصه وجود گذاشت که او را درشت نام نهادند او برخلاف سایر اطفال موقع پیدایش خنده بر لب داشت و گویا میخواست بمردم آن زمان بفهماند که عقاید و کردارشان چه بسیار خندهدار است.

درست ۳۰ سالگی مردم ایران و سپس سایر کشورهای جهان را به یکتاپرستی دعوت نمود. پندار و گفتار و کردار نیک پایه های محکم دینش بود والبته پس از مرارت ها و مشقت ها تو انشت بمردم آن زمان که بوئی از داشت و تمدن نبرده بودند بفهماند که «راه درجهان یکی است و آن راه راستی است» - آنها را مقاعد سازد که خالق همه یکیست و اهورامزدا نام دارد و بالاخره ثابت نماید که دینی که او ارائه مینماید از سوی اهورامزدا است و پیروی از آن باعث سعادت این جهان و رستگاری سرای دیگر است.

زدشت کسی نیست که نگارنده بخواهم برای انتبیاع کنم - قرنهاست که مردم او را میشناسند و داشمندان بزرگ جهان منجمله دارمستر-مستر جاکسن - دکتر هاک - افلاطون - نیچه وغیره درباره وی مقالات نوشته‌اند و اورا به نیکی یاد کردند و بعلاوه در عصر ما که سطح فرهنگ و دانش بشری باوج ترقی و کمال خودرسیده بیش از پیش درباره این پیغمبر بزرگ راستگوی سخن‌گفته می‌شود و او را بزرگترین ناجی بشر میدانند - شوخی نیست در آن زمان که دیو جهل و بیسواندی و نادانی بر سر آدمیزاد سایه افکنده بود و فرقه‌های مختلف هر یک برای خود خدايانی داشتند و نیز از کشتن همدیگر لذت می‌بردند چطور ممکن بود کسی بتواند عقاید آنها را بپایه قلمداد کند؟

چطور امکان داشت کسی قادر باشد با آدمهای سراپاوحشی آن روز درس راستی و پاکی و یکتاپرستی بدهد؟

چطور کسی جرئت داشت بیان کند که او از طرف کسی مأموریت دارد که اهورامزدا نام دارد - او تنها است - یکی است - جسم ندارد - همتا ندارد و دیده هم نمی‌شود؟ واقعاً کار مشکلی بود - میلیونها تن هم‌صدا چیزی شبیه هم بگویند و او تنها چیز دیگر؛ همه سراب را آب تصور کنند و زرتشت آن آب را سراب قلمداد کند - همه خدايان خود را نشان میدادند و هر فرقه تعداد خدايانشان بیشتر بود مهمتر خود را جلوه میدادولی او می‌گفت خدا یکیست و آنهم دیده نمی‌شود. آری چون زدشت اولین فرستاده خدا بود و پایه یکتاشناصی را اوبناهاد بعقیده من مقامش پیش خداوند ارج و منزلت خاصی دارد و در این جهان هم‌هر کس روی این موضوع عمیق فکر کند با این نتیجه خواهد رسید که سرآمد تمام راستان و درستان یا نیک اندیشان - نیک گفتاران و نیک کرداران زدشت اسپیتمان است و باید از تعالیم عالیه او پیروی کرد و برای بزرگداشت نام او کوشید.

بقیه در شماره آینده

قاضا از هشتگر گین هنتر هنرستانها

خواهشمند است آن عده‌ای که تا بحال آبونمان خود را بنمایند گان مجله نپرداخته‌اند هر چه زودتر اقدام بواریز نمایند موجب امتنان خواهد بود.

دفتر مجله

نوشته

محمد کریم رحیمی از (هرسین کرانشاه)

لرود بر روز خبرگشته

شنبه ششم بهمن

نیروی معنوی و عظمت واقعی یک ملت وابسته با فردی است که این جامعه را تشکیل میدهد هنوز ملت ایران بنام کورش و جمشید و افسوس وان میباشد و مبارا میکند که در بین فرزندان خود ستاره های درخشانی چون این مردان نیک کردار در عرصه سیاست و مملکت داری پا بعرصه و چوقداشته اند.

همانطور اشخاصی مثل ابن سینا - ذکریای رازی - خواجه نصیرالدین طوسی سفحتان تاریخ علمی ما را تابناک کر دند.

این افراد موهبت های هستند که در دامان مام وطن پروردش یافته تا آبروی دنیاگی برای ما تحصیل کنند.

بدون شک شاهنشاه آریامهر یکی از ستاره های درخشانی است که تاریخ خدمات ایشان را باین آب و خاک فراموش نمیکند و قلوب مردم حقشناس ایران فداکاریهای معظم له را در راه ترقی و تعالی وطن افزاید نمیبرد.

آری قرنها بود که دهقانان با عرق جیان مواد اولیه مملکت را فراهم می آوردند و عده دیگر در راحتی و خوشی بسر میبردند دهقانان در تنگdestی و مذلت بسر میبردند ولی پدر مملکت کسیکه بیش از همه دلش بحال مردم میسوزد یعنی شاهنشاه آریا مهر بزرگترین انقلاب ایران یعنی قانون اصلاحات ارضی را شخصاً اجرا کر دند.

یک صبح دهقان ایرانی سر از خواب برداشت دید دیگر فردی آزاد است زن ایرانی همراه شکفت آفتاب دید که دیگر زنجیر سنت های تحمیلی بودست و پایش نیست کارگر ایرانی دریافت در سود کاریکه میکند سهم دارد آنوقت ملتی بی برد موافقی که طبیعت باو بخشیده است متعلق باوست.

درود بی پایان بر جوان بخت شاهیکه درسایه اقبال و فروشکوهش بسر میبریم و از خوان فتوت و بخشش های بیکرانش افتادگان و درمان دگان بهره مند میگردند.

از : سرهنگ ۲ موبد (سر باز)

دانشجوی دانشکده اردنانس دانشکاه نظامی

پاکمردان یا پیامبران

(۲)

کشتچون (عیسی بن مریم) رهنمای ناصری

گمرهان را رهنمایی کرد اندر روزگار

مشعل مهر و محبت را فرؤزان کرد او

در نصارا خوی انسان دوستی شد آشکار

عقابت از رنج و آزار بداندیشان خود

در جوانی رفت اندر راه دین بالای دار

در میان تازیان هر و وفا کمیاب شد

دزدی و آدمکشی بر سر کشان بود افتخار

از برای قرص نانی بود جانی در خطر

بیشتر خوراکشان شیر شتر یا سوسما

خانه کعبه برای تازیان بتخانه شد

خون انسان پای بت میشد ز نادانی نثار

دختر تازی بسی بیچاره و بد بخت بود

دفن میشد زنده با دست پدر در گور تار

لطف حق جوشید بر آن دختران بیگناه

تازیان را کرد با دست (محمد) رستگار

از تعالیم (محمد) پاکمرد هر بان

زنگهای بت پرستی پاک شد از روزگار

پا کمردی این چنین از تازیان آن چنان

این نباشد جز نشان رحمت پروردگار

ریشه و بنیاد ادیان خدا باشد یک‌ی

هر میهن می‌کند بنیاد دین را استوار

آدمی را شاهراه زندگانی دین بسود

دین هم بایست باشد با خردها سازگار

بار از دوش بشر پیغمبران برداشتند

تا نگردد آدمی فرسوده اندر زیر بار

هر زمان از کوشش پیغمبران اهل جهان

گشته اندر زندگانی شادمان و رستگار

غرب اگر بر دانش دانشوران نازش کند

شرق را پیغمبران کردند بذل افتخار

پایه آسایش و خرسندی نوع بشر

جز بآین خدایی می‌نگردد پایدار

(هورمزد) و (یهوه) و (الله) شد نام خدا

از خدا باشد نظام آفرینش برقرار

بار از دوش بشر بردار اندر زندگی

خود مشو در باغ هستی شاخه بی برگ و بار

خار از پای گرفتاران درآور هر زمان

هان مشو در شاهراه آدمیت همچو خار

مردمی اندر جهان خدمت بمقدم کردن است

باش چون (سر باز) بر ایرانیان خدمتگزار

پایان

بر گزاری مراسم سالروز در گذشت اشو زرتشت

روز یکشنبه خیرایزد دیماه بمناسبت سالروز در گذشت اشو زرتشت از طرف سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی در کاخ فیروزه برگزار گردید که خلاصه برنامه این مراسم ذیلاً درج میگردد.

برای رفت و آمد همکیشان از طرف سازمان سه دستگاه اتوبوس از صبح تا پاسی از شب گذشته از مقابله آدریان بکاخ فیروزه وبالعکس در حرکت بوده‌اند. از کلیه مدعوین در تالار جمشید آبادیان کاخ فیروزه با چای و نهار بطری بسیار منظمی پذیرائی شد.

از ساعت ۲ پس از نیمه‌روز مراسم دینی آغاز گردید پیش از آغاز این مراسم آقای موبد رستم شهرزادی بجمعیت تذکردادند که اوستایی برای همه روانان خوانده خواهد شد و هر کس که هایل باشد میتواند در این امر هم بهره شود.



پس از پایان مراسم دینی بنا بقاشای سازمان آقای موبد اردشیر آذرگشیب پشت میکروفن قرار گرفتند و سخنرانی جامعی درباره مسائل دینی و اجرای صحیح آن ایراد فرمودند.

در پایان آقای خسرو باسنائی بتفصیل درباره اصول زیر بیاناتی ایراد داشتند.

- ۱ - لزوم احترام به شعایر مذهبی و تعطیل نمودن روز درگذشت شت زرتشت.
- ۲ - عظمت آئین زرتشتی و اهمیت و ارزش فرموده‌های شت زرتشت.
- ۳ - مفهوم واقعی فلسفه مزدیسنا و تغیراتی که بمقتضای زمان و مکان بوقوع پیوسته است.

۴ - لزوم تجدید نظر در تشریفات دینی و اجتماعی و حذف پیرایه‌ها و تشریفات زائد بشرح زیر.

الف - تجدید نظر در نحوه برگزاری مراسم پرسه.
ب - تجدید نظر در مراسم سی روزه - روز و سال و اتخاذ رویه‌ای که بصلاح و سود اجتماع باشد.

۵ - لزوم عادمندی به امور اجتماعی و توجه باحتیاجات و اقدام در رفع آنها بشرح ذیل.

الف - اسنالت راه کاخ فیروزه.
ب - احتیاج به ایجاد پرستشگاه‌های بیشتر بعلت تراکم جمعیت زرتشتی در تهران.
ج - لزوم ترجمه و تفسیر کتب مذهبی و احتیاج به همکاری همکیشان بسازمان فروهر در تأمین هزینه‌های چاپ و انتشار کتب مزبور.

هزاره

هزاره

((فروشگاه فروهر))

انواع کفش - پیراهن - سهماور - چراغ - لوازم آرایش - ساعت و قواره پارچه خارجه و داخله وغیره را در صد تخفیف می‌دهد.

با یکبار هر اجتعه صدق گفتارها معلوم می‌شود.
نشانی : کرمان بازار مظفری اول پاساز محمدیه - فروهر

افتتاح ظالار جمهوری در سنتهم ماونداد در تهران

گوهر پاک بباید که شود قابل فیض
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مر جان
نشود

جناب آقای ارباب رستم ماونداد
که در یزد بخین خواهی مشهور ند
چندی قبل مبلغ شانزده هزار تومان
توسط آقای منوچهر فرجی بشیراز
فرستادند و آقای فرجی ایزدکسان
بسوار زیبا در آرامگاه زرتقیان
شهر از بنامگاهه فیزندش جمهوری
رستم ماونداد که در سن بیست سالی



روانشاد جوان ناکام جمهوری رستم
ماونداد



در طهران در گذشته ساخته شد و روز جمعه ۲۶ دیماه ۴ با حضور تمام زرتشتیان آنسالن را افتتاح نمودند.

ابتدا بوسیله موبد خسرو جشن خوانده شد و بعد آقای فرخی طی نطق مبسوطی از آقای رستم ماونداد قدردانی نمودند و اضافه کردند که ایشان علاوه بر مخارج این ساختمان تعداد ۲۰ صندلی و ۳ میز اهدا نموده اند.

کلیه زرتشتیان شیراز طول عمر و عزت آقای رستم ماونداد و فرزندان ارجمندان را از اهورامزدا خواهانند.

همجلسن پژوهش خوآنی

روز خیر ایزد و دیماه در سال آقای رستم ماونداد در آرامگاه زرتشتیان شیراز در ساعت ۳ بعداز نیمروز بمناسبت در گذشت شت اشوزرتشت مجلس جشن خوانی با حضور کلیه زرتشتیان پرپا بود و آقای منوچهر فرخی نیز نطقی درباره حضرت زرتشت ابراد نمودند.

قسمتیت

با کمال تأسف در گذشت شادروان گلچهر دیانت رابخاندان جلیلشان بویژه اخوی ایشان آقای شهریار خدایاری تسلیت عرض نموده بقای عمر باز ها ند گانش را از اهورامزد خواستاریم

رئیس انجمن زرتشتیان نرسی آباد - بهرام فلاحت

قسمتیت

انجمن زرتشتیان رحمت آباد بیزد با نهایت تأسف در گذشت بهشت آشیان گلچهره خدایاری را به برادر محترم شان آقای شهریار خدایاری و عموم باز ها ند گان گرام صمیمانه تسلیت میگوید

رئیس انجمن زرتشتیان رحمت آباد بیزد

رستم خسرویانی

أخبار ماه

تهران

- ۳ - دوشیزه مهرناز هرمزدیوار ریحانی در ۴۴/۱۰/۱۰ از طرف ورات دینیار شهریار کیانی در منزل
- ضمناً ۴ نفر افراد زین از طرف ورات روانشاد سیروس اردشیر یگانگی در آدریان سدره پوش شدند :
- ۴ - آقای کیخسرو اردشیر ساهیما در ۴۴/۱۰/۱۰
- ۵ - جمشید رستم دینیاریان در ۴۴/۱۰/۱۰
- ۶ - دوشیزه مهربان خسروی در «
- ۷ - شیمین اسفندیار رستمی در «
- ۸ - آقای سه راب خدام را داشد در ۱۱ از طرف خودشان در منزل
- ۹ - دوشیزه هما خدام را داشد در ۱۱ از طرف خودشان در منزل

دور گذشته گان

- ۱ - روانشاد مهربان اردشیر زنده نوش در ۴۴/۹/۲۸
- ۲ - روانشاد فریدون رشید کاویانی در ۴۴/۱۰/۲
- ۳ - روانشاد بهرام جمشید نوشیر وانی چم در ۴۴/۱۰/۲
- ۴ - روانشاد فریدون مهرگان خسرویان با غخدان در ۴۴/۱۰/۵

زفافشوقي

- ۱ - آقای جهانگير یلزاده فرزند رستم بادوشیزه لعل نیک منش دخت گشتاپ در ۴۴/۹/۲۶
- ۲ - آقای رستم خسروی فرزند آقای فریدون بادوشیزه فیروزه مهرشاهی دخت آقای رستم در ۴۴/۹/۲۹
- ۳ - آقای خداداد مهرشاهی فرزند آقای رستم بادوشیزه آدخت ماوندادی دخت آقای جمشید در ۴۴/۹/۲۹
- ۴ - آقای مهربان جاوید یزدی فرزند سروش بادوشیزه فرنگیس فرهادی دخت آقای بهمن در ۴۴/۱۰/۳
- ۵ - آقای دکتر ایرج یزدانی فرزند مهربان بادوشیزه هما زنده نوش دخت آقای آدر باد در ۴۴/۱۰/۶

مبدل ۵ پوشه

- ۱ - آقای رستم خدا یار خسروی در ۴۴/۹/۲۷ از طرف ورات روانشاد فرنگیس کیخسرو وزیر تشتی در منزل
- ۲ - دوشیزه مهناز خدا بخش بلوانی در ۴۴/۱۰/۱۰ از طرف ورات روانشاد دینیار شهریار کیانی در منزل

آقای محمودی بختیاری خاطراتی از اوایل تأسیس سازمان نقل کردند آقای بهرام نامداری در بحث آزادش رکت جستند و پیرامون نظم و انضباط در جلسات اجتماعی سخنرانی ایجاد کردند.

آقای ایرج نوذری دو قرانه برای حضار خواندند که با تحسین و تشویق فوق العاده حاضرین رو برو شد.

این جلسه که ازابتداباشور و هیجان و شادی فراوان شرکت کنندگان توأم بود در ساعت ۸ و نیم پس از نیمروز پایان پذیرفت و اعلام شد که جلسه آینده دیدار پنجشنبه ۱۴ بهمن خواهد بود.

تشکیل همیشگانی

مجمع همگانی سازمان فرهنگ (جوانان زرتشتی) بنا بدعوت قبلی که کتبآ و بصورت آگهی رسمی در جراید از اعضا بعمل آمده بود در ساعت ۶ و نیم پس از نیمروز پنجشنبه ۹ دیماه ۱۳۴۴ در محل سازمان تشكیل گردید.

دستور جلسه عبارت بود از استماع گزارش و تصویب ویلان سواله و انتخاب هیئت مدیره - هیئت امنا و هیئت بازرگان جدید.

ابتدا آقای خدایار هورمزدی بحضورین خوش آمد گفتند و از حضور آنان تشکر کردند و اظهار داشتند که بعلم تغییر اساسنامه سازمان در این دوره تعداد بیشتری از همکاران مسئولیت انجام وظایف هیئت مدیره را خواهند داشت و آقای دکتر داریوش جهانیان که در عمر پنجم ساله گذشت سازمان حقیقتاً خدمات ذی قیمت و با ارزش در راه نیل به هدفهای سازمان انجام داده اند متأسفانه بعلت

ورهram ایزد کاردمیوه خوری ۱۲ دانه ایضاً چنگال میوه خوری ۱۲ دانه « قاشق سوب خوری ۲۴ دانه

۵ - دهش مهر بانو خانم ایدون نیاز شاه -

ورهram ایزد بشقاب چینی لب تخت ۱۸ دانه

ایضاً بشقاب چینی ته گرد ۶ دانه

اخبار سازمان فرهنگ

(جهو آنان زرتشتی)

دیدار

ساعت هفت پس از نیمروز پنجشنبه ۱۶ دیماه باش رکت عده زیادی از علاقومندان جلسه دیدار در محل سازمان برگزار گردید.

در ابتدا آقای دکتر داریوش جهانیان به حضار خیر مقدم گفتند و اظهار داشتند که سازمان بر نامه های جالبی پیش بینی کرده است که بتدریج در آینده شاهد اجرای آن خواهیم بود سپس به تشریح تعدادی از این بر نامه ها پرداخته و گفتند تأسیس کننا بخانه - تأسیس کلاس های رقص محلی - جلسات بحث در باره فلسفه زرتشت و ایجاد بر نامه های بزم شب از جمله آنهاست که بزودی آغاز خواهد شد.

ایشان در پایان در باره دو کتاب «اعلام اوستا» و «ترجمه و تفسیر گاتها» که باستی چاپ شود سخن گفتند و ضرورت همکاری اجتماعی را برای چاپ این دو کتاب تشریف گردند.

بعداز اجرای مسابقه آقای سروش مهر خداوندی قطعه های باویلن نواختند که فوق العاده مورد توجه حاضرین قرار گرفت .

۲ - ورات روانشاد فریدون مهرگان	۱۳۴۴
خسر ویان ۰۰ ریال	
۳ - ورات روانشاد گوهر خداداد سامیا	
کل انتری ۱۰۰ ریال	۵۰۰ ریال

جمع	۸۰۰ ریال
بیماران مراجعه کننده	۹۳۰ نفر
» دندانپزشکی	۱۸۱
» داروخانه	۵۱۴
» آبله	۱۰
» تزریقات و پانسمان	۵۲۷
» بخور پنیسیلینی	۲۰
» دیاترمی	۶
واکسن و باتزدیق شده	۸۵ نفر
جمع	۲۲۷۳ نفر

درمانگاه یگانگی

دھش مخیل آنکویشان (آژانه)

- ۱ - فرزندان نیکوکار روانشاد مهربان مهرانی (وکیل الرعایا) بنامگانه شادروان پدر گرامیشان نیاز آدریان قفسه بزرگ آهنی یک دانه
- ۲ - خواهران و برادران نیکوکار روانشاد رستم مهرانی فرزند روانشاد مهربان (وکیل الرعایا) بنامگانه شادروان برادر گرامیشان نیاز آدریان دولابچه آهنی شیشه دار یکدانه
- ۳ - فرزندان نیکوکار روانشاد بانو گل اندام اردشیر مهرانی بنامگانه شادروان مادر گرامیشان نیاز آدریان قفسه بزرگ آهنی یکدانه
- ۴ - دهش آقای کیخرسرو بهریز نیازشان

شاھو رهرام آیزد

۱ - بانو سهیل	۵۰۰ ریال
۲ - آقای مهربان شهمردان و برادران	۲۵۰ ،
۳ - بانو خسر و پور	۱۵۰
۴ - آقای مهربان مزدایی	۱۰۰
۵ - بهرام بھی کیش	۱۰۰
۶ - دکتر کابلی	۱۰۰
۷ - آقایان اسفندیار مذکوری - خسر و خسر وان کیخرسرو کاویانی - مهربان مهربانی - جاماسب فرهوشی - بانو خسر و پور جمعاً	۲۸۰ ریال
جمع	۱۴۸۰

گواه گیری و سالن چشنگاه

خسروی

۱ - آقای جهانگیریل زاده با بت گواه گیری	۱۵۰۰ ریال
۲ - آقای رستم خسروی با بت گواه گیری	۲۵۰۰ ریال
۳ - آقای خداداد مهرشاهی با بت گواه گیری	۲۵۰۰ ریال
۴ - آقای هربان جاوید با بت گواه گیری	۲۵۰۰ ریال
۵ - آقای دکتر ایرج یزدانی با بت گواه گیری	۱۵۰۰ ریال
جمع	۱۰۵۰۰ ریال

سالن آیرج = پرمهنه

۱ - ورات روانشاد فریدون کاویانی فرزند رشید	۵۰۰ ریال
--	----------

سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد نسبت بشادروان مارکار دد اظهار تشکر و قدردانی نمودند و از اینکه آقای شهریار خداباری معاون سازمان جوانان زرتشتی یزد بعلت در گذشت روانشاد همشیرهشان نتوانسته‌اند از طرف سازمان در برنامه سخنرانی شرکت نمایند اظهار تأسف نموده بایشان تسلیت کفتند.

آنگاه ضمن بیانات جامعی از ترقیات شایانی که بعنایت پروردگار در سایه شاهنشاه آریا مهر نصیب جماعت زرتشتی گردیده سپاسگزاری نمودند سپس آقای خداباری از مراحم جناب آقای لهراسب و جماعت زرتشتی نسبت بمصیبت واردہ بایشان اظهار تشکر و سپاسگزاری نموده و از حسن توجه سازمان دوشیزگان زرتشتی نسبت بکودکان جماعت در تعلیم علوم دینی و بالابردن سطح معلومات آنان سپاسگزاری کردند و اضافه نمودند که تعطیل امروز سینماهیل بمدیریت آقای شهریار شهریاری و کلیه بنگاه‌ها و منازه‌های برادران زرتشتی در خود تقدیر است.

این مراسم در ساعت ۶ بعدازظهر پایان یافت.

هر اصم در گذشت آشیان زرتشت با همکاری سازمان دوشیزگان

زرتشتی یزد

دوشیزگان عشرت اشتادهیاری فرنگیس اشیدری - هما اشیدری - با همکاری دوشیزگان زرتشتی یزد از ساعت ۱۰ با مدد تا نیمروز ۴۴/۱۰/۵

سال روز در گذشت و منشور زرتشت آشیان در یزد

مقارن ساعت ۳ و نیم پس از نیمه روز پنجم دیماه ۴۴ از طرف سازمان جوانان زرتشتی یزد مراسم جشن خواهی در گذشت شت زرتشت پیامبر ایران باستان در سالن معبد زرتشتیان یزد در حالیکه سالن مملو از جمیعت بود برگزار گردید.

نخست آقای خداداد اردشیرپور از طرف سازمان جوانان زرتشتی ضمن عرض خیر مقدم به منظور ادای احترام بروح تابناک شت زرتشت یکدقيقة سکوت اعلام و حضار درحال قیام سکوت نمودند و بروح و خشور پناک شت زرتشت درود فرستادند.

سپس آقای اردشیرپور اظهار داشتند افراد سازمان در این مکان مقدس شادی روان پشون مارکار را از خداوند مسئلت دارند و از همکاری افراد سازمان دوشیزگان زرتشتی یزد سپاسگزارند و اضافه نمودند که سازمان از جناب آقای بهرام فلاحزاده که طبق معمول سنواتی مخارج برگزاری مجلس امروز راعهده دار شده‌اند سپاسگزار است. آنگاه افراد سازمان دوشیزگان زرتشتی بر نامه بسیار جالبی اجرانمودند که فوق العاده مورد توجه و تحسین همگی قرار گرفت و باعلام یکدقيقة سکوت بروح تابناک شت زرتشت درود فرستادند و بروح بهشت آشیان مارکار احترام گذارند.

آنگاه آقای سر اسب لهراسب پرست مؤسسات مارکار پشت تربیون قرار گرفند و از ابراز احساساتی که از طرف سازمان جوانان زرتشتی و

اهواز مبلغ ۲۵۰۰ ریال در اختیار آن سازمان قرار دادند.

بمناسبت سالروز درگذشت شت و خشور زرتشت مراسمی در گهنبارخانه برگزار نمودند.

مجلس پادپر و جشن خوانی

در اصفهان

بنا بدعوت قبلی از طرف انجمن زرتشتیان اصفهان مجلس جشن خوانی از ساعت سه بعدازظهر الی هفت بعدازظهر الی هفت بعدازظهر روز یکشنبه پنجم دیماه ۱۳۴۴ برابر با خیرایزد و دیماه به مناسبت درگذشت اشویز رشت پیغمبر ایران باستان در محل باستان آباد و با حضور زرتشتیان مقیم اصفهان برپا گردید.

این مجلس با جشن خوانی و برگزاری مراسم مذهبی پایان یافت.

اظهار قدردانی

انجمن زرتشتیان یزد بموجب نامه ۶۸۵ مورخه ۱۰/۱۰/۴۴ از اینکه آقای شهریار شهریاری مدیر سینما سهیل یزد پساحترام سالروز درگذشت اشویز رشت پیغمبر ایران باستان در ۱۰/۵/۴۷ چهل و چهار سینما را تعطیل نموده است اظهار قدردانی کرده است.

نهشیش

از طرف شرکت نسبی جمشید یگانگی و شرکه بمنظور کمک بیودجه سازمان جوانان زرتشتی

تصحیح

لطقاً اشتباهات چاپی ذیر را در شماره قبل تصحیح فرمائید:

صفحه ۴۱ بیت ۱۰ و بیت ۱۲، «هر آذکس» نادرست و «بر آذکس»

درست است.

همچنین در صفحه ۳۷ (شعر مادر) سطر ۱۳ «نقش ترا همیشه و هر کجا

بوده ام» نادرست و «نقش ترا همیشه و هر کجا که بوده ام» درست است.

قابل توجه هشتیر گین محترم

از مشترکین محترم خواهشمند است چنانچه تا پانزدهم هر ماه مجله هوخت نرسد بدarrowخانه داریوش و یا چاپخانه راستی تلفن ۰۹۶۲۴۱۳۹۶۲۴ اطلاع دهند و همچنین آنها یکه مایل باشتر الک مجله هستند میتوانند تلفن نام و آدرس خود را اطلاع دهند تا قبض آبونمان و مجله برایشان فرستاده شود.

دستیله گوشه‌ای از تاریخ کوهدان

اعلیحضرت بکوئید باین استان نیز توجه شود) دو دستگی‌ها چند دستگی‌هادر شهر (که آنهم در گفتارهای پیشین مفصل بدان اشاره شده است) هتمر کز بودن امور تجارتی در مرکز انتقال امور بندری از بندر عباس بخرمشهر در سورتیکه در قدیم بندر عباس مرکز معاملات و واردات و صادرات بوده است (که باز هم خوشبختانه امروزه تجهیز اسکله بندر عباس مورد توجه دولت است). انتقال ثروت ملاکین از این استان بساير چاهها (در عرض فعالیت و ثروت بعضی‌ها در تپه‌ها و زمین‌های اطراف تهران بمصرف می‌شود) عدم توجه بعضی‌ها با بادانی املاک (که با برنامه جدید جبران می‌شود) بالاخره بنست بودن این استان (که بازهم با مزده ایجاد راههای مختلفه از طریق بندر عباس - جیرفت - زاهدان را در وجهی ادامه راه آهن و استخراج معادن فلزات و ذغال سنگ جبران شود).

راههای خدمت باین استان - ادامه راه آهن از طریق یزد به کرمان و زاهدان و انشعاب از کرمان به بندر عباس (که باز هم خوشبختانه یکی در دست اجرا و دیگری در طرح می‌باشد). - بهره برداری از معادن ذغال سنگ و صدور بخارج (که در طرح است) - استفاده از منابع ماهی و کنسرو بندر عباس (که شیلات جنوب در برنامه دارد) - ایجاد راههای شوشه بین شهرستانها راه بندر عباس به جیرفت و زاهدان (که در طرح است) - فعالیت کشاورزی و دامپروری از هر جهت - از بین بردن دو دستگی‌های بیجهت در کرمان - (که طبق اطلاع رفع شده) - توجه به بندر عباس (که عمل می‌شود) سد بنده در نقاط لازم (که در طرح است و نوید داده شده است) - حفر چاههای عمیق بتعداد زیاد (که در سالهای اخیر انجام و قسمتی از محصولات اخیر جیرفت و مخصوص آبیاری چاههای عمیق است) - از دیاد تلمبه‌هاییکه وسیله باد آب میدهند (در کرمان تعدادی موجود است). ایجاد صنعت در نقاطی که استعداد کشاورزی کم است.

این بود قسمتهایی از نامه که در سال ۳۶ بوسیله اینجانب بنام یکنفر کرمانی و علاقمند با بادانی و ترقی زاد و بوم خود به نخست وزیر تقدیم کرد و همانطوریکه تقاضا شده بود به دولمه پاسخ مفتخر شدم بتعاونیکه در اینجا دیده شد هر اتفاق مورد توجه قرار گرفت و نظریاتی که داده شده بود بهر تقدیر قسمتهایی انجام و قسمتهایی هم در طرح و در دست اجرا می‌باشد.

در شماره‌های آتیه مجدداً در این باره و مسافرت اخیر نخست وزیر و گوشه‌هایی از از نتایج مسافرت بحث خواهد شد.

شمناً مشتاق دریافت نظریات اصلاحی و پیشنهادات خوانندگان بخصوص همشهریان می‌باشد.

از جام و عمل خبر و خدای پسند ازه در یزد



با نوی والا نژاد و خیراندیش پریزاد خانم گودرز یکنخته قالی برای استفاده جماعت نیاز درب مهر نوش یزد (روبروی مسافرخانه پرویز) نمودند که فوق العاده ضروری و مورد احتیاج افراد جماعت بود با این عمل خیر و خدا پسندانه پریزاد خانم گودرز درب مهر نوش (آتشکده) که خیراندیشان جماعت لوازم مورد احتیاج را با خلوص نیت نیاز نموده اند اکنون مجهز بکلیه لوازم مورد احتیاج است و اینجاست که باید گفت

گوه-ر پاک بباید که شود قابل فیض

ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

دومین عمل خیر و خدا پسندانه بدست آقای دینیار فریدونی تدقی انجام شد این جوان نیکوکار محل آتش بهرام را که جای عبادت زرتشتیان یزد است بنحو آبرومندی رنگ آمیزی و نقاشی نمود که فوق العاده ضروری بود و اکنون سالن مزبور بطرز آبرومندی مورد استفاده افراد جماعت میباشد. توفیق خیراندیشان را نیز از درگاه اهورا مزدا مسئلت مینماید.

درب مهر نوش در حال حاضر احتیاج مبرم به اقل سی عدد بشتاب ملامین دارد چنانچه خیراندیشی بشتاب ملامین به آتشکده مزبور نیاز نماید بسیار بجایست. آقای شهریار زمردی صندوقدار انجمن زرتشتیان یزد که صندوقدار ابواب جمهودار درب مهر نوش هم هستند با دلسوزی و مراقبت خاص از لوازم مزبور که اشخاص خیراندیش وقف نموده اند نگهداری مینمایند توفیق ایشان را از خداوند مسئلت دارد.

دلداری

اعضاء هیئت مدیره سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد به آقای داریوش دیانت مدیر داخلی سابق باشگاه در گذشت روانشاد مادرشان را تسلیت میگویند.

سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد

پیشیله همانکه رُل دین

علاوه بر این ، دریشت دهم ، مهریشت نیز درباره ایزدهم گفت و گوشده است. در اینجا ایزد هوم چون پیشوایی روحانی معرفی شده است که سرودهای دینی می سراید و مراسم مذهبی انجام میدهد و شاید این کنایه از آن باشد که این ایزد ، علاوه بر مقامهایی که دارد و سرپرستی هایی که بـدو محول میباشد ، از دینداری و رسوم دینی نیز پشتیبانی میکند . ۱ و چنانکه گذشت ، ملاحظه شد که با بـدبیان درمی افتد و آنان را به کیفر می دساند ، چنانکه با کرسانی Keressani آن شهریار معاند دین رفتار کرد .

در این قسمت ملاحظه میشود که سه وجه هوم چـگونه در قطعه دینی کوتاه با استادی و زبردستی توصیف شده است ، و آن سه وجه عبارتند از شربت یا نوشابه هوم ، ایزد هوم و گیاه هوم :

هوم مقوی درمان بخش و فرمانده زیما با چشمـهای زرد رنگ در بلندترین قله کوه هرئی تی [البرزـکوه Haraiti] از برای آن [مهر] بـی - آلاـیش ، آن [هوم] بـی آلاـیش از بـرسم Barsam] بـی آلاـیش و از زور Zavr] بـی آلاـیش واـز کلامـه آلاـیش فـدیه آورد .

در کرده یازدهم ازویسپرد نیز به روابطی مشابه میان هوم ایزد و مهر ایزد مواجه میشویم و در آنجا نیز دریافت میشود که در مراسم دینی ستایش ایزدان ، برایشان شربت هوم تقدیم میشده است . بزرگترین موبـد و پیشوای روحانی که هاون Havanah نام داشت مأمور تهیه شیره و نوشابه هوم بود .

هاون کلمه‌یی است که در آن لفظ هاون نیز ملاحظه میشود که در آن هوم رامیکو بـیده اند همچنین هاو نگاه نیز از همین لفظ است که یکی از اوقات پنجه کانه روز میباشد که هنگام آن از برآمدن آفتاب تا گاه نیمروز است . پیشوای روحانی بامدادان ضمن مراسم مذهبی به تهیه هوم که آنرا درهاون میکو بـیدسر گرم میشد و با گه هاون دینداران را با انجام مراسم دینی میخواند :

کسی که مثل نخستین هاونان اشامهای هوم ستاره نشان مینمودی تمییه شده را در بالای کوه هرئی تی نیاز نمود بـتر کیب زیما یش اهورامزدا آفرین خواند . اهشاس پندان نیز آفرین خواندند ، خورشید دارندۀ اسپهای تمداز دور ستایش وی را بشارت داد .

این بود آنچه که در اوستا راجع است به هوم . اما با توجه به ریگ و دادیات و دایی متوجه می‌شویم که هوم اوستایی و سوم درسanskrit یکی است و سوم یکی از خدایان بزرگ هندوایرانی بوده است ، از جمله آن خدایانی که درستاخیز زرتشتی مردود واقع شد و بعد با اندکی جرح و تدبیل و افزودن رنگ که زرتشتی بدان ، دگرباره مورد قبول واقع گشته و در اوستا داخل شد .

حقوقان و خاورشناسان از برای اثبات این مدعای خود ، دلیلی از گاتاها آورده‌اند . هر چند در گاتاها بصراحت از هوم یاد نشده است ، اما صفت ویژه هوم ، یعنی « دوراش » به معنی « دوردار ند « مرگ » یا « مرگ که زدای » در گاتاها گونه‌یی آمده است که جای شک و شباهه‌یی باقی نمی‌گذارد که هناظور همان هوم بوده است .

برخی از حقوقان را رای برآن است که در گاتاها برای احتراز از یادکردن هوم - و نام خدای بزرگ آریایی ، در کنایه از صفت یادشده است . برخی دیگر رارای بر آن است که این صفت از برای هوم ، ازنامش مشهورتر بوده است و بهمین جهت صفت را به جای اسم بکار برده‌اند .

اما آنچه که مهم است آنکه در تأیید اینکه در این قسمت از گاتاها کنایتاً هوم مورد نظر بوده است سخنی نیست وزرتشت کسانی را نکوهش می‌کنند که از برای این خدای آریایی مراسم قربانی برپا کرده به امید آنکه بوی تقرب جویند و در آرزوهاشان کامیاب گردند . در گاتاها که کهن ترین قسمت اوستا است از هوم و مراسم آن ، جزیک مورد که با نکوهش آمده است یادی نشده .

پس از گاتها در « هفت‌ها » یعنی یسنا - های سی و پنجم تا های چهل و یکم که قدمت بیشتری دارد نیز از هوم یادی نشده است ؛ اما درسایر قسمت‌های اوستا ، به ویژه در هوم یشت و یسنا - های نهم و دهم و یازدهم از آن بتفصیل یاد شده است و از یشت بیستم نیز یاد شده است و از یشت بیستم نیز یادخواهیم کرد :

از برای ستم به وی گرهم و گویها [Grehma - Kavi] از پیشوایان دیویسان [دیوباز است که خرد و درج خویش فرنگی داشت ، چه آنان بر آن شدند که دروغ پرست را یاری کنند و گفته شده که چار باز برای گشتن است تا این که هر گوی زدای [دوراش] را بیاری کردن برانگیز اند .^۱

ترکیت اوستایی دوراش - مطابق فرهنگ کانگا که بویژه در این قسمت با خاورشناسان بزرگ موافقت دارد ، از دو جزء دور و اوش Usha به معنی دور و اوش

مرگ و نیستی من کب است.

در یسنا نهم و دهم و یازدهم که هجدهم هوم یشت خوانده شده از این صفت هوم بارها یادشده است^۱ به این جهت است که محققان هم رای هستند که در گاتاها پیامبر در تکوشن مراسم دیویسنان که مراسم قربانی برای سوم Soma یا هوم بجای آوردن سخن گفته است.

اما آنچه که در یشت‌ها بنام هوم یشت موسوم است و بیستمین یشت خوانده می‌شود، جز نقل قول‌هایی و مأخذاتی از یسنا - های نهم و دهم نمی‌باشد.

هر آنهم در باره هیم

مراسمی که در باره بدست آوردن عصارة هوم که آنرا پراهوم Parahom می‌گویند انجام می‌شود، یکی از مهمترین مراسم مزدیسنان می‌باشد. به شکلی که در قسمت گذشته ملاحظه شد، ابتدا گیاه ایزدی هوم در قله البرز کوه روید و پس از آن بوسیله پرنده‌بی مقدس دانه‌های آن در جهان منتشر گشت. مراسم بدست آوردن عصارة هوم بوسیله هفت و بده که تحت سرپرستی موبدی بزرگ قرار داشتند انجام می‌شد. اما امروزه این مراسم بوسیله دوموبد انجام می‌گردد.

نخستین موبد هاون Havanan نام داشته که ساقه‌های گیاه رادرهاون می‌گویند است. ابتدا موبدانی که گیاه مقدس راجمع آوری می‌کردند آنرا در جعبه‌بی کوچک طی مراسمی خشک می‌کردند تا مورد استفاده شیره کشی قرار می‌گرفت. قطعاتی از این گیاه در جامی شسته می‌شد و درهاونی چنانکه مذکور گشت کو بده می‌شد.

دوم موبد اتروخش Atravahksh نام داشت که نگهبانی آتش با او بود. سوم موبد فر برتر Frabreter نام داشت که ظروف و لوازم مورد نیاز را می‌آورد. موبد چهارم بنام ابرتار Abereta مأمور آوردن آب بود. پنجمین که اس نتر Asnatar خوانده می‌شد وظیفه‌اش صاف کردن شیره هوم بود. راسپی یا موبد ششم مأمور تقسیم پراهوم بود، و موبد هفتم سروشاورز Srushavrs مأمور تنظیم امور و مراقب عبادتگاه بود^۲. مایمی که بدین طریق و نهمن این تشریفات بدست می‌آمد دارای خواص درمانی بسیاری بود و وجود همین خواص درمانی بود که هوم را دارای چنین مقام رفیعی می‌کرد و چون در ایران باستان آنچه که سودرسان و درمان‌بخش و نیک بود، قابل ستایش محسوب می‌گشت،

۱ - یشت بیستم، هوم یشت، بندیکم

۲ - نگاه شود به مین کلامات و تفسیر آنها

آشکار است که گیاهی چنین درمانبخش و شادی افزای تاچه حد باستی مورد احترام و ستایش بوده باشد.^۱

درادبیات و دایی و مقایسه با روایات پهلوی و اوستایی

قدس بودن برخی از گیاهان در ادوار کهن، مرسوم میان اغلب ملل و اقوام بوده است. ذهن ابتدایی بشر چون نا آگاه از موادرمانی موجود در گیاهان می بود، هنگامی که پتندیج پر حسب تصادف و مقتضیات متوجه میگشت که گیاهی چگونه برخی از بیماریها را درمان میکند، برای آن گیاه نیروی خدایی و مرموز قایل می شد و به همین جهت احساس اعجاب و شگفتی می کرد و همین عکس العمل ذهنی بود که موجب پیدایش ارباب انواع می گشت. هندو اروپائیان و هندو ایرانیان در زمانهای گذشته بیرون از این روش نبودند و پس از گفتی و گویی کوتاه در باره مقایسه هوم در اوستا و سوما در ریگ و دا بذکر موارد مشابه میان افسانهها و اساطیری از سامبان و آریاییان می پردازیم.

ناتمام

۱ - بواپسین قسمت مقاله، خواص طبی هوم نگاه شود.

آگاهی

از آنجاکه از جشن سدره پوشی گذشته این سازمان همکیشان ارجمند استقبال فرموده اند با خرسندی فراوان با گاهی همگان برادران و خواهران گرامی می رسانند که از این پس هر زمان که تعداد کودکان داوطلب بحد نصاب برسد، سازمان اقدام ببر گزاری جشن سدره پوشی همگانی مینماید.

از کسانیکه خواستارند فرزندانشان را در این جشن سدره پوش نمایند دعوت می شود برای نامنویسی همه روزه از ساعت ۵ پس از نیمروز بدفتر سازمان مراجعت فرمایند.

سازمان فروهر (جوانان زرتشتی) تلفن ۲۸۳۲

بُشْرَیَّهُ دِین و فلسفه

حتا بنام ورشکستگی و فرار به «تل اویو» بفرستند؟ چنین مینماید که هستی و حیاتشان در ایرانست ولی دلشان برای اسرائیل می‌پند، در جاییکه مردم آنجا اینها را خویشاوند خود نمی‌دانند و به بازیشان نمی‌گیرند.

یهود که بارها بدست کلده و آشور تاراج شده و اورشلیم زیر و رو شده بود، پس از دوره باصلاح هخامنشی در معرض تاخت و تازسلوکیدها بودند تا نوبت بر قدر کنایی رم رسید، با ظهور عیسا جوانی آزادیخواه و مصلحی نیک‌اندیش، بهترین آموزگار اخلاقی و درویش مسلک، باز دستگاه آفریدگار، مانند یک خانواده مشکل از پدر ... پسر ورح القدس بیان آمد یا حواریون باو بستند و گفتند او خود را پسر خدا میدانند، داوران یهود که دم و دستگاه پیشوائی خود را در خطر دیدند، تهمت دزدی بآن جوان نیک‌خواه‌زدند و اورا با دو دزدبار کشیدند، گناهش چه بود؟ - اومردم فاسد وزرپرست و متعصب به دین و آخر ده و از مدافتاده زمان را که به فلسفه آن عمل نمی‌شد، نکوهش می‌کرد و آیین نوین انسانی را پیشنهاد مینمود و خود را بحق میدانست و مانند حسین (حلاج) عارف ایران «انالحق» می‌گفت بگفته خواجه - «جرمش این بود که اسراره‌ویدا می‌گردد».

ابوالعلاء معری فیلسوف عرب می‌گفت:

«در شکتم از یهود که خداتراوش خون قربانی و بوی بخور کباب پر وار را دوست دارد و از نصارا که (خود) خدای زیر بار ستم هیزیسته و از کسی یاری نمیدهد است».

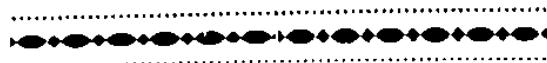
پس از عیسا زور و فشار رومیان بر یهود افزون گردید. هفتاد سال از میلاد گذشته بود که سپاستیان سردار «نزن» امپراتور رم، اورشلیم را محاصره کرد و پرسش برج و باروهای شهر را کوچید، مردم را از کوچک و بزرگ کشت، خانه و بارگاه یهود را دیران کرد و ائمه خانه را از خیمه، تابوت عهد (قفسه تورات) خوان و شمعدان هفت شاخه وظروف و قندیلهای طلا و نقره و پارچه‌های دیبار اینم غنایم جنگی به رم برده و این واقعه از رویدادهای مهم در تاریخ رم بشمار است.

آگهی

کتاب سودمند تعالیم زرتشت اثر هاشم رضی منتشر شد

سروده عبدالعظیم فروغان

اندرز جاویدان



ز مهر دوست سخن هیشود بدل اشراق
 بیاد دوست زبان ناطق سخندان است
 ز هجر دوست هرا آذربیان در دل
 از آن آه دل خسته گرم و سوزان است
 بهشت قرب بحق است و بعد آن دوزخ
 که یاد دوست بهشت است و با غورضوان است
 ندای حق بلند است در جهان شب و روز
 که هر که عاشق روی من است انسان است
 غم جهان مخور وقت را غنیمت دان
 جهان هسیر کمال از برای انسان است
 ز گردش فلک و روزگار عبرت گیر
 که از تحول آن عقل مات و حیران است
 ببین که گردش افلاک روی نظم و حساب
 همی بچرخد و بر وفق عدل و میزان است
 جهان نه جای تن آسانی هوس رانی است
 بودچون حیوان هر که او تن آسان است
 سعادت من و تو نیست مال و ثروت جاه
 کمال و فضل و هنر جاه نیک بختان است

بمنجلاب طبیعت کسیکه گشت غریق
 هدام کشتی جاش دچار طوفان است
 غلام همت آن رند عاقبت بین باش
 که فارغ از کم و بیش زچون چندان است
 مکن تو صرف به بیهوده هیچ عمر عزیز
 که هر دقیقه آن ناپذیر جبران است
 اگر بروی تو خندد جهان مشو مغرور
 بدانکه از پس هر خنده دیده گریان است
 برای دانه خود را بدام آن مفکن
 که دام و دانه آن ابتلاء حرمان است
 چو منحرف شود از اعتدال نفس جهول
 هدام مفترط و بدخواه و رو بطغیان است
 ز خود پسندی و کبر و غرور و خواهش نفس
 بگیرد آن ره باطل ز حق گریزان است
 عنان خویش بدهست هوای نفس مده
 که این ستمگر پتیاره پس هوس ران است
 بو نفس خویش به تقوی سپاروایمن باش
 که آن نفس تو را پاسبان دربان است
 بچند روزه عمر جهان مشو هغ-رور
 نگر که این گذر عمر همچو آب روان است
 مبنید دل بچیزی که هیده از دست
 مخواب زیر بنائی که سست بنیاد است
 ناتمام

وقایعہ سے مقابلہ

و انسانها بیشتر و بهتر هستند از زیبائیها ولذات دنیوی برخوردار گردند ولی آیا ملنها اجازه میدهند تا در اثر برخورد نژادهای مختلف با یکدیگر بینان ملیت آنان متزلزل گردد .. مسلماً خیر - پس بر ماست که به حرast این افتخار بزرگ که نیاکان پر ارجمند بیادگار گذاشته اند تا سرحد جاذبازی و فداکاری پکوشیم و خون پاک ایرانی و نژاد اصیل آریائی راهنمای در اثر ازدواجهای مناسب و پایینه بودن به آداب و رسوم کامل ملی برای آینده کان بارت بگذاریم و این افتخار بزرگی را که در زمان فعلی از آن برخوردار هستیم برای آنان نیز بیادگار بگذاریم و بدایم که بزرگترین و گرانبهای ازین میراثی که میتوانیم برای آنان باقی بگذاریم همین افتخار بزرگ نیاکان است و پس

قابل نوجه هشتگر کن ارجمند کرمان

چون سال رو به پایان است خواهشمند است حساب آبونمان خود را با آقای گودرز فرامرزی واریز نمایند . بدینهیست از هشتاد کیمی که قبلاً بدھی خود را پرداخته اند سپاسگزار است .

همه گیشان گراهی بمناده رفت و آمد تهران گاخ را پسرخ زیر
تئین و اعلام هندارد

برگشت به تهران کاخ		حرکت از تهران کاخ تا موتور آبایستگاه خط واحد	
بامداد	۸/۰	بامداد	۷/۰
بامداد	۱۲/۰	بامداد	۷
بلند	۳/۰	بامداد	۱۱/۰
از نیمروز گذشته	۴/۴۰	از نیمروز گذشته	۳
از نیمروز گذشته	۷	از نیمروز گذشته	۴

یادآوری - چنانچه بجز از ساعات تعیین شده نیازی به وسیله رفت و آمد باشد میتوانید به تهران کاخ شماره ۷۹۱۰۲۸ تلفن نمائید تا ترتیب وسیله رفت و آمد به خیابان فرج آباد ایستگاه موتور آب داده شود.

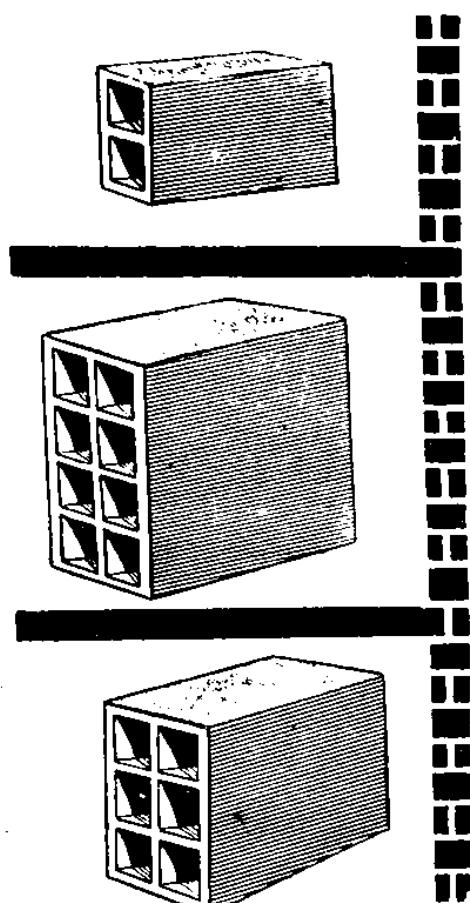
سازمان خیریه تهران کاخ

تلگراف - قهران

تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آربانا ریاست ستاد کل بزرگ ارتشتاران
مفتخر آنتصاب تیمسار معظام که نمونه توجه و عادقه شاهنشاه آریا شهر قبیت به آن
جناب در راه خدمت بکشور میباشد سمپمانه تبریک عرض نموده موفقیت تیمسار را ازدرگاه
اهوار ازدای یکتا خواستاریم.

سازمان جوانان ذرتشتی اهواز

آجر محقوف ایتالران



مقاوم و عایق سبک و باصرف
اکسانتر اسگر نشته

در حکمیت ساختمانی زیر از
آجر محقوف ایتالران
استفاده میکنند

شرکت سهامی ایتالران سیدان کاخ شماره ۸۵ آعنی ۴۲۳۵۵ ۴۵۱۸۴

((اتو سیپر یزد))

آیا باید یزد و مکانهای مقدسه آن فراموش شود؟

آیا در موقع تکلم بزبان دری احسان برادری و یگانگی بیشتری نمی‌کنیم؟
اتوسیپر یزد بمنتور خدمت بهمکیشان گرامی ایجاد شد و انتظار پشتیبانی و همکاری
از همکیشان را دارد.

ایرانتور نو - بوذر جمهوری تلفن ۲۳۷۱۳
یزد: اتوسیپر یزد - میدان شاه

شماره مسلسل ۱۹۰

سال ۱۶ شماره ۱۱

LICENCE HOLDER:
Dr. SARFEH
SUPERVISED BY
EDITORIAL BOARD

دارندۀ امتیاز - دکتر صرفه

تحت نظر هیئت تحریریه

ADDRESS:
(The Hukht Monthly Magazin)
C/o Dr. SARFEHNIA
Phar. Dariush
Av. Nadery
Tehran,
Iran .

نشانی:

خیابان شاه (نادری) چهارراه قوام

داروخانه داریوش

تهران - ایران

آbonman مجله ماهانه هوخت

SUBSCRIPTION FEES
Iran Abroad
for 12 Months 200 Rls. 180 Rls.
< 6 > 100 > 90 >

داخله	خارجه	
یکساله ۱۸۰ ریال	۲۰۰ ریال	
۶ ماهه ۹۰ ریال	۱۰۰ ریال	



کامترین پپ سشاوامو آن

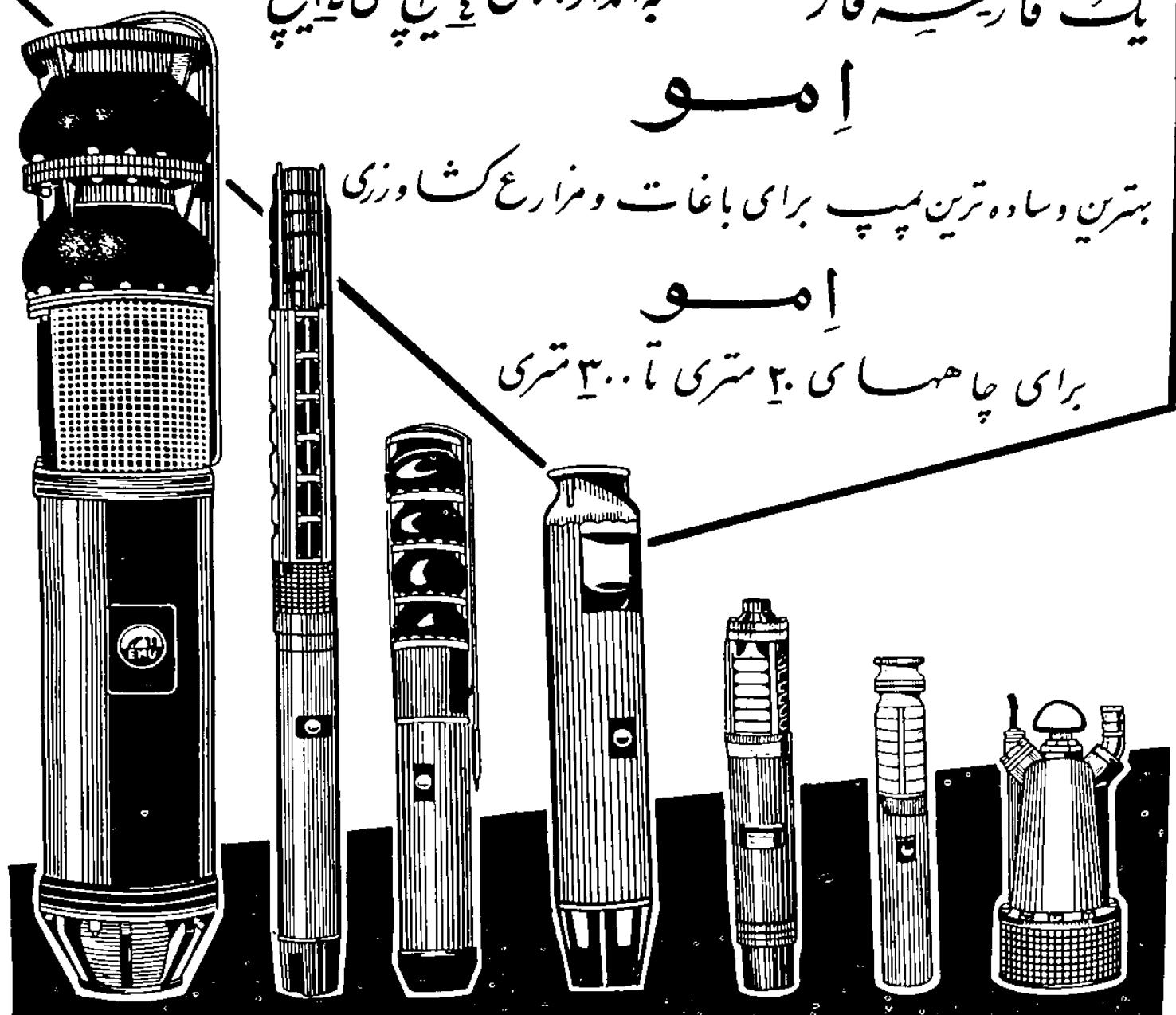
پپ فازی فاز
با اندازه نای ۱۴۰ میلیمتر

امو

بترین و ساده ترین پپ برای باغات و مزارع کشاورزی

امو

برای چاهه ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری



نماینده اختصاری در ایران: شرکت زرشتی - تهران - خیابان سعدی کوچه ممتاز ساختمان زرشتی تلفن ۰۱۱ ۳۸۶۲۳۵۲۸۲